اردیبهشت ماه ۱۳۴۶ — دورهٔ ششم شماره بیست و ششم

ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر — تحول بنیادی در سیاست جهانی

با پیروزی انقلاب اکتبر دوران نوینی در سیاست بین المللی آغاز شد. دولت سوسیالیستی شوروی بر پایه تئوری مارکسیسم-لنینیسم اصول جدیدی را در زمینه سیاست خارجی مطرح ساخت که مبین آمال توده های زحمتکش برای عدالت اجتماعی و برای پایان دادن بجنگهای امپریالیستی و زورگوئی بود. افشاء بی‌رحمانه سیاست تزاریسم و بوژوازی روسیه. افشاء ماهیت امپریالیسم و ماهیت غارتگرانه جنگهای امپریالیستی. افشاء دیپلماسی مزورانهٔ دولتهای سرمایه داری، پشتیبانی از صلح دموکراتیک و عادلانه، مخالفت با الحاق اراضی دیگران و با غرامات جنگی، اعلام اصل برابری و حق حاکمیت همه ملتها که در نخستین سند دولت نوزاد شوروی مطرح گردید حاکی از آن بود که در مقابل امپریالیسم یك نیروی نوین انقلابی در سیاست جهان پدید آمده است.

با استقرار دولت سوسیالیستی شوروی اتحاد

بقیه در صفحه ۶

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت اول ماه مه — جشن همبستگی جهانی کارگران

کارگران و زحمتکشان ایران!

کارگران و پرولتاریان عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، جشن اول ماه مه، جشن همبستگی کارگران، روز پرشکوه نیروی پرولتاریای کارگری جهان را تبریک عالی بهمه شما شایان میگوید و برای شما کامیابی در کار و مبارزه را آرزومند است.

طبقه کارگر ایران همیشه در تاریخ اخیر کشور ما نقش معرکی و مؤثری داشته است و این نقش در آینده اگذشته نیز بیشتر خواهد شد زیرا طبقه کارگر ایران از جهت کمی و کیفی درحال رشد دائمی است. کارگران ایران دارای سنتها و تجارب طولانی مبارزه در راه صلح و نان، علیه استعمار و ارتجاع بسود حقوق حقه خود، بسود رهائی اجتماعی از لیوم‌سوم کهنه و نوین و سطانی وبیعدالتی ایرانی آزاد و آباد هستند. رژیم موجود میکوشد بضرب عوامفریبیهای کارگری و بکمك دستگاه دموزهی سازمان امنیت کارگران ایران را از این سنت انقلابی دور سازد و آنها را به افراز سیاسی عوش مبدل گرداند. ولی این خیال باطلی است. کارگران ایران همیشه ثابت کرده‌اند که هم طبقاتی در آنها قوی وشور مبارزه در آنها نیرومند است و به تشخیص دوست از دشمن، راه از چاه قادرند. زیرا پیشرو طبقه کارگر ایران، مکتب بزرگ حزب توده ایران وسازمانهای توده‌ای، مکتب نوزای متحده مرکزی و سازمانهای سندیکائی واقعی را گذرانده‌اند، و مبارزات دامنه‌دار طبقه کارگر جهان و دستاورد های جنبش انقلابی کارگری و کامیابیهای جریان فکر کشور های سوسیالیستی را که در آن حاکمیت کارگری پیروز شده است بچشم می‌بینند. تردیدی نیست که آینده متعلق بکارگران ایران است. ولی پیروزی بخودی خود و بآسانی بکف نمی‌آید. بقوت مبارزه پیروزی نیست. باید غیرغم مشکلات فراوانی که رژیم مدد مالی و مدد دموکراتیك واستبداد ساختمان ایجاد کرده‌اند با در آمیختن حزم و جسارت، بافشاندن روش سیاسی سنجیده و واقع بینانه ولی انقلابی و سرسختی درراه صلح، استقلال، دموکراسی، ترقی ورفاه عمومی مبارزه تازه وشعله‌ورتر ساخت

کارگران و زحمتکشان ایران!

یکی از وظائف مقدس طبقه کارگر و حکایه زحمتکشان درشرایط کنونی افشاء تجاوز پلیدامپریالیسم امریکا به ویتنام و پشتیبانی از نبرد عادلانه و مقدس این خلق دلاور است. شکست امپریالیسم امریکا در ویتنام شکست موقع ترین و خطرترین و متجاوزترین بخش سرمایه داری جهانی است و منجر به تقویت بیش

بقیه در صفحه ۶.

پیرامون توسعه روابط اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی

بهبود مناسبات ایران و شوروی که حزب توده ایران از دیر زمان مدافع پیگیر و سرسخت آن بوده هم اکنون نخستین نتایج خود را ببار آورده است. تا کنون میان دو کشور قراردادهای اقتصادی و فنی مهمی بسته شده است. این قراردادها شامل احداث سد و کارخانه های برق در رودخانه های سرخه‌دیز، ایجاد کارخانه بزرگ قوب‌آهن در اصفهان، احداث کارخانه های ماشین سازی، ساختمان سیلو در چندین شهر ایران بظرفیت ۳۰۰ هزار تن، صدور گاز ایران به اتحاد شوروی که اخیرا قرارداد آن با ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال به ۲۰ میلیارد متر مکعب افزایش یافته، آمادگی اتحاد شوروی برای خریده قسمت ایران بهر دیزلی که ایران امکان تحویل آنرا داشته باشد و یکساله قرارداد های دیگر است. دوبریان سفارت امریکا بوایناکف سفیر وزیر بازرگانی اتحاد شوروی باایران مساله شرکت اتحاد شوروی در اکتشاف و استخراج نفت در مناطق «آباد» ایران بررسی شد و مقدمات مقدماتی در باره آن صورت گرفت و قرار شد پیشنهاد های مشخصی در این زمینه تنظیم شود و برای عملی ساختن آنها اقدام کرده. اتحاد شوروی آمادگی خود را برای کمك به تنظیم و اجرای طرحهای برنامه های عمرانی وصنعتی پنجساله چهارم اعلام کرده است.

یك میلیارد دلار	بدون سال دادنه همکاری
اعتبار و مالی ۵۰۰	اقتصادی و روابط بازرگانی
میلیون دلار ساده	میان ایران و شوروی
بازرگانی	گرایش آشکاری در جهت
	رشد روز افزون از خود

نشان میدهد. ارزش اعتبارات که دولت اتحاد شوروی برای احداث تأسیسات صنعتی و کمك به برنامه های عمرانی در اختیار دولت ایران گذارده هم اکنون تقریبا به یك میلیارد دلار رسیده است. حجم مبادلات بازرگانی میان دو کشور در مواقعالدنامه ای که اخیرا برای مدت پنجسال بامضاء رسیده ۵۴۰ میلیون دلار معین شده است ولی پاولوفیچ وزیر بازرگانی اتحاد شوروی ضمن مصاحبه با نمایندگان

بقیه در صفحه ۲

بمناسبت نهمین سالگرد رفیق شهید خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

از خسرو روزبه بطریقه جانبازی و وفاداری به آرمان خویش را بیاموزیم. بگذار چهره پرفروغ وی خلق ما را، در پیکار مقدسش الهام بخشد.

واژ مقدمه بر دفاعیه خسرو روزبه

بقیه در صفحه ۷

روشی که به زیان جنبش دانشجویان ایرانی است

چندگاه خواندندگان گرامی و پرویژه دانشجویان اطلاع دارند طبق موافقتنامه‌ای که بین نمایندگان سازمان دانشجویان دانشگاه تهران و کنفدراسیون (پراگ - ۱۴ اوتامبر ۱۹۶۶) به امضا رسید تامین کنگره انتخابیه بین المللی دانشجویان (لوان بالور ۲۶ مارس - ۸ آوریل) نمایندگان مسئله عضویت کنفدراسیون را در انتخابیه بین المللی دانشجویان بر اساس این موافقتنامه حل کنند و حل کرد. ولی روش کمیسیون نمایندگی کنفدراسیون در پیش گرفت و عواقب نامطلوبی که این روش ببار آورد، و اگر این روش ادامه یابد در آینده بیشتر ببار خواهد آورد.

اخیرا دارد طبق موافقتنامه‌ای که بین نمایندگان سازمان دانشجویان دانشگاه تهران و کنفدراسیون (پراگ - ۱۴ اوتامبر ۱۹۶۶) به امضا رسید تامین کنگره انتخابیه بین المللی دانشجویان (لوان بالور ۲۶ مارس - ۸ آوریل) نمایندگان مسئله عضویت کنفدراسیون را در انتخابیه بین المللی دانشجویان بر اساس این موافقتنامه حل کنند و حل کرد. ولی روش کمیسیون نمایندگی کنفدراسیون در پیش گرفت و عواقب نامطلوبی که این روش ببار آورد، و اگر این روش ادامه یابد در آینده بیشتر ببار خواهد آورد.

ما را بر آن میدارد که باتا بر وظیفه‌ای که داریم به همه دانشجویان و بویژه فعالین جنبش دانشجویان ایرانی بار دیگر هشدار دهیم و آنانرا بیاندیشیم که با خونسردی و واقع بینانه این جریان را بررسی کنند و بکنکاوند. جنبش دانشجویان ایرانی بتدریج از مسیر دمکراتیك و مترقی خود خارج شود و آنگاه با تأثر گفته و خواه و ناخواه به کوره راه بیفتد.

واقعیت‌ناگوار آنجا شروع شد که نمایندگان کنفدراسیون به تذکرات دوستانه نمایندگان

بقیه در صفحه ۷

کودتای موناركو فاشیستی در یونان

سحرگاهان ۲۱ آوریل باز دیگر سایه مرگبار ترور، جبس و تبعید بر کشور باستانی یونان گسترده شد و سکوت اختناق‌آور کودتای موناركو فاشیستی همراه با آهنگ نفرت انگیز رگیمو سلسلها بسرنوشت یونان مسلط گردید. هنگامیکه زیرپوش‌ها وتفنگها تهدید و مراکز حساس آن را محاصره کردند، ارتباط یونان با جهان بریده شد. و سپس شکار انسانها آغاز گردید. دموکراسی که روس آن هرمنیکه هنگام تسلط فاشیسم هیتلری بزرگوارانه "پرچم فاشیسم را خلیرانه از بالای آکروپل پائین کشید و در هم پیچید" یکی از هزاران نفر کسانی است که بجرم آزادیخواهی و استقلال طلبی باز دانشت و برای سومین بار در دادگاه های نظامی بمرگ محکوم گردیده است. بار اول بازداشت متعلق بود بسال ۱۹۴۸ که ارتشیان فاشیستی یونان وابنك کودتاچیان از زیا بمرگ تهدید میکنند. از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۵۴ زندانی بود ودرسال رهائی درسال ۱۹۵۴ مجدداً زندانی گردید و بطوریکه ازطرف مردم آتن به وکالت انتخاب شد تا سال ۱۹۶۶ فرزندان مجدد و اینك خبر مرگ ایرنالای سرنگ دور میزند. طبق اخبار خبرگزاریهای امریکائی در چهار سال اول کودتا بیش از ۸۰۰۰ هزار نفر توقیف شده‌اند وفهرست اسامی سه هزار نفر دیگر در دست پلیس است که آنها را جستجو میکنند.

خبرگزاری یونایتدپرس اطلاع داد که ۵۰۰ نفر را از پاتمز، پیره، پاکنس به جزیره پیرا، که سابقا تبعیدگاه زندانیان حکومت دیکتاتوری بود روانه کرده، جزیره غیر مسکون، کوئرس، را از صدها نفر عناصر دموکرات پرامونده و میدان فوتبال و قسب دولتی آتن را بعلاوه باز داشت گاه موقت از آزادیخواهان انباشته‌اند. دوست نفر از نمایندگان پارلمانات متعلق به حزب، متحده مرکزی، و حزب متحد دموکرات چپ که ازعناصر مترقی و کمونیستها تشکیل میشود، و چند نفر هم از حزب دولتی راست

بقیه در صفحه ۷

بقیه از صفحه ۱

توسعه روابط اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی

مطبوعات ایران دلت : « حجم مبادلات ایران وشوروی خیلی بیش از میزانی است که در موافقتنامه پیش بینی شده است ؛ زیرا براساس قرارداد های دیگری که در این لحظه داریم وباحداکثار ممکنه ، منظر خواهد شد مبادلات جنبعی بین دو کشور برقرار میشود که احتمالا تا چند سال دیگر میزان مبادلات به ۵۰۰ میلیون دلار درسال خواهد رسید» (اطلاعات ۱۳ اسفند ۱۳۴۵) مطبوعات کشور ضمن ارزیابی موافقتنامه بازرگانی ایران وشوروی نوشتند که این موافقتنامه از نظر حجم مبادلات تجاری بزرگترین موافقتنامه است که تاکنون ایران با یك کشور خارجی امضاء کرده است . این موافقتنامه از نظر استمرار ذیرو ترکیب کالا های صادراتی ایران نیز نوع خود بیسابقه است زیرا بموجب این موافقتنامه بیش از یك سوم کالا های صادراتی ایران کالا های صنعتی ساخت ایران است که ارزش آنها تقریباً بصد میلیون دلار میرسد .

توسعه اقتصادی با سایر کشور های سوسیالیستی

علاوه براتحاد شوروی سایر کشورهای سوسیالیستی نیز بیك سلسله قرارداد های اقتصادی و بازرگانی مهم ایران منعقدساخته اند.

چکسلواکی : اصفهان ، ماشین‌سازی ، مجارستان : روستی و پتروکیماوی هر یك اعتباری معادل دهها میلیون دلار بایران دادهاند که از محل آن ایران، میتواند انواع کالاهاو ماشینها و تجهیزات صنعتی وارد کند و بهای آنها را با تحویل نفت و کالا های صنعتی و کشاورزی خود بپردازد . بدینسان کشور های سوسیالیستی براساس پایاپای یعنی بدون دریافت یك دلار ارز بدامر صنعتی کردن ایران کمکهای مؤثر میکنند و در عین حال برای کالا های صادراتی ایران بازار مطمئن و بسیار پرسرمایه ای فرضه میدارند که استفاده آزاد بنوبه خود رشد تولید داخلی ایران را تسریع میکند .

توسعه همکاری اقتصادی و بسط روابط بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی و درجه اول باتحاد شوروی مسئله بزرگ شمالی ما علاوه برتسریع رشد اقتصادی وتسریع اجرای برنامه های عمرانی ـ کشف منابع جدید قدرت را نیز در بر دارد .

مثلا در صورت عمل شدن شرکت کارشناسان شوروی در اکتشاف راستین نفت ودستیابی دیگری که بعد کافی امیدواری وجود دارد منابع قدرت جدیدی وجود بهره برداری قرار خواهد گرفت که از نظر ارزش و اهمیت بدنابع نفت جنوب و ۵۰۰ میلیون دلار عوائدی که کنسرسیوم نفتدگر نفت بایران میپردازد قابل قیاس نخواهد بود .

توسعه روابط با سوسیالیستی

افزایش حجم مبادلات بازرگانی و توسعه همکاری اقتصادی ایران با اتحاد شوروی وسایر کشور های سوسیالیستی و بخصوص آمادگی ایران کشورها برای تجدید نفت خام افزایش واز آنهم مهمتر آمادگی اتحاد شوروی برای شرکت در اکتشاف و استخراج نفت مثبتا نمیتواند در محافل امپریالیستی و انحصاراتی بیطرفی بی‌تاثیر باشد زیرا توسعه روابط اقتصادی ایران با کشور های سوسیالیستی تاکنون به تسلط امپریالیسم وانزلت نفوذ انحصاری کشورهای امپریالیستی میکاهد. هر اندازه که حجم روابط اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی بیشتر شود از لحاظ نسبی در اقتصاد ایران سهم کمتر و میدان کمتری برای فعال ومتشبث وسلط اقتصادی انحصارات امپریالیستی باقی میماند . بالمقابله افزایش حجم این روابط امکان میدهد و مقابله اقتصادی ایران با این انحصارات بیشتر وتغییرات کمی در این زمینه تاکنون امکان پیدایش تغییرات کیفی را افزایش میدهد .

این مطالب را دول امپریالیستی و در درجه اول دولت امریکا بخوبی درك میکنند . مطبوعات رسمی ایران، بطل مختلف و با انگیزه های گوناگون به « نگرانی » محافل امپریالیستی تمدنه می‌کنند . مثلا مجله روشنفکر ضمن انتشار مقاله مطلب مینویسد : « مقامات واشنگتن پس از عقد قراردادهای اخیر ایران وشوروی وبخصوص عقد قرارداد خرید اسلحه بوجود آمده قادر به مخفی کردن ناراحتی خود از این قراردادها نیستند . مطبوعات امریکا ... هنگامیکه که پاتولیوف وزیر بازرگانی خارجی شوروی در تهران اقامت داشت همه حواس و توجه خود را معطوف به مذاکرات او با مقامات ایرانی کرده بودند .»

روزنامه کیهان نیز بهنوبه خود «نگرانی » وتشنج واشنگتن را منعکس کرده است . این روزنامه در شماره ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۶ خود ضمن اشاره به «عصبانیت ونگرانی» امریکائی ها در این زمینه وابسته امریکائی ها ، ناچارند این عصبانیت و نگرانی را حتی الامکان مکتوم نگاهدارند . مدیر است ایران نگرانی را چند موضوع نشانی شده و سرچشمه گرفته است که مهمتر از همه تسعه روابط سه کشور متحد آن کشور در سازمان پیمان سنتو با شوروی است . سه کشورمتحد سازمان پیمان سنتو یعنی ایران، ترکیه وپاکستان علی چاند سال اخیر هر یك قرارداد های مهمی باتوان اتحاد شوروی وبول اروپای شرقی منعقد ساخته‌اند که چشم گیرتراز همه عقد قرارداد های اقتصادی و فنی ایران با شوروی ، فروش گاز ، لوله سد سازی و ایجاد کارخانه های ماشین سازی و قوب‌آهن و بالاخره خرید یکصد و نه میلیون دلار اسلحه میباشد . اگر چه مقامات امریکائی در اظهار نظر های رسمی خود این اقدام دولت ایران را یك امر مربوط بخود این کشور میدانند اما مطبوعات امریکا ، گاهی هم نمایانده‌گان آن کشور از ابراز نگرانی خودداری نکرده‌اند .

در روابط دوستانه با تاراجگران

ام از اینکه ایران « نگرانی‌ها » واقعیت داشته باشد باید یك نکته مسلم است و آن اینکه بسطروابط اقتصادی باکشور سوسیالیستی امکان تضعیف مواضع اقتصادی انحصارات و لطمه به تسلط اقتصادی امپریالیسم را در پی دارد، واما تاسیس وسایر مقامات رسمی ایران بطوریکه اظهارات اخیر آنها نشان میدهد سعی دارند چنیچگونه زمینه‌ای برای ابراز اینگونه نگرانی‌ها باقی نگذارند . از پی هر یك از این ابراز « نگرانی » ها مقامات رسمی ایران بطور مستقیم یاغیر مستقیم تاکید میکوشند خاطر محافل امپریالیستی را آسوده نگاهدارند و بآنها اطمینان بدهند که با وجود توسعه همکاری اقتصادی و روابط بازرگانی با کشور های سوسیالیستی چیچگونه لطمه‌ای به منافع قانونگرانه کشور های امپریالیستی در ایران وارد نخواهد آمد و انحصارات امپریالیستی از این پس نیز میتوانند باخیال راحت تراحکیم‌ریزی دوباره فرصت اقتصاد ایران ادامه دهند . یونایتدپرس با استناد به اظهارات مقامات رسمی ایران بنوشت : منابع عالیرتبه سیاسی ایران اظهار داشتند که نزدیك ایران وشوروی بهیچوجه سبب نخواهد شد که مناسبات آن کشور با غرب به سردی گراید و آنروزنده ایران که بیش ازیك هزار میلیون دلار ازایالات متحده کمك دریافت کرده است همچنان عضو پیمان سنتو خواهد بود و میبیوز نظامی امریکا همچنان به کار تعلیم دادن ارتش وپلیس ایران ادامه خواهد داد . چند روز پس از انتشار این خبر یونایتدپرس ، جرائد کشور مصاحبه های شاه را با مخبر روزنامه اتحاد بغداد وروزنامه های دیگر انتشار دادند که در آن شاه باز دیگر تصمیم خود را بادامه عضویت در بلوك امپریالیستی سنتو اعلام کرد و افزود که ایران براساس « سیاست مستقل ملی » ، « با جهان غرب و همچنین با همسایه بزرگ خود شوروی روابط دوستانه دارد » . البته هیچکس نمیگوید که بهوت ایران روابط اقتصادی خودرا با کشور های سوسیالیستی توسعه میدهد بی‌ابد منافعات خود را با کشورهای امپریالیست ـ سردکند ، ویا آنها ، روابط دوستانه ، نداشته باشد . ولی آیا خصلت روابط کنونی ایران با کشور های امپریالیستی و در درجه اول با امریکا با روح زمانه ما و با منافع حیاتی کشور و مردم ما مطابقت دارد ؟ این روابط درموردی جولیگوی مصالح ملی ما میبود که برپایه برابری و رعایت حداقل منافع متقابل مبنی میشد . اگر این روابط چنین خصائص میداشت آنوقتهاشد وموشش میداشد که درعین توسعه روابط خود با کشور های سوسیالیستی در حفظ ایران روابط و در جلوگیری از سردی آن بکوشند . ولی خصلت کنونی روابط ایران با کشور های امپریالیستی وکوشش برای حفظ این روابط چز خیانت آگاهانه بمصالح ملی مردم ایران عنوان دیگری نمیتواند داشته باشد . در تمام سالهای پس از کودتا روابط اقتصادی کشور های امپریالیستی با ایران وسیعترین دامنه را داشته است . از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۴۵ ایران بابت درآمدنفت قریب ۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار، از طریق بودجه‌ها ۸ میلیارد و ۱ میلیارد و از طریق معافیات ازمالیات بیش از ۵۰۰ میلیون دلار ازدرامدنفت کرده است . یعنی درظرف ۱۳ سال درآمد ارزی ایران در حدود ۷٫۵ میلیارد دلار بوده است . در طول این سالها واردات ایران ازکشورهای امپریالیستی بطوردمداوم درجهت افزایش سیر کرده و به ۶ ـ ۷ برابر صادرات ایران بآن کشورها رسیده است . مبادلات بازرگانی ایران باین کشورها مبتنی برموج قرارداد ومواضعه‌ای بوده و کشورهای امپریالیستی وارد کننده کالا میچگونه تجهیزی برای صدور دستمزب کالا از ایران نداشته اند و کارشان تنها دستمزب به خارج ساختن آن کالا بوده است . طی این سالها میدیدم آنکه درآمد نفت ما هر سال رویفزونی رفته در نتیجه همه تعادل بازرگانی تمام درآمد نفت باضافه تمام ارز دریافتی بابت صادرات همراه با مبلغ هنگفتی قرض ، برای جبران کسری ناشی از فزونی واردات بر صادرات پرداخت شده است . و اما خصلت واردات کالا های کشور های امپریالیستی واستمرارکورو واردات این کالاها درهمکاری اشکار است . این کالاها بطور عمده انتباه مصرفی که نظشر آن در ایران هم تولید میشده و یا امکان تولید آن بوده و ترز کالا های تجملی لوکس و مقادیر هنگفتی اجناس پنول بوده است . کالا های که برای رفع نیازمندیهای واقعی تولیدی و احداث صنایع و حتی صنایع سبك ضروری بوده درقیاس باکالا های غیر ضروری نسبت ناچیز داشته است . آنچه که بخصوص خصلت منفی دلی این واردات را نشان میدهد این هنگفتی است که برای خرید اسلحه و مهمات بمصرف رسیده است . از این ۷٫۵ میلیارد دلار طبق اعتراف روزنامه امریکائی هرالدتریبیون ، امریکا تاکنون بمبلغ ازدرامد نفت ایران ۲ میلیارد دلار اسلحه بایران تحویل داده است» (به نقل از روزنامه اطلاعات شماره ۱۴ اسفند ۱۳۴۵) . کمکهای نظامی بلاعوض امریکا بایران فقط بخش کوچکی از این ۲ میلیارد دلار را تشکیل میدهد بقیه بایدپاداخت از خریداری شده‌است. بدینطریق در ظرف ۱۳ سال ۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار از ارزکشورما به کشورهای انحصارات امپریالیستی سرازیر شد و در پایان ۱۳ سال اثر عظیم و حیاتی صنعتی ساختن کشور اقتصادعرصه‌ای کوچه لول باقی مانده بود و اثر مردم ایران با مبارزات پیگیر خود و کشور های سوسیالیستی دیرتر سیاست مستحوصله‌ای وبیروی از سیاست اصولی همزیستی مسالمت آمیز خود برای برقراری و توسعه روابط اقتصادی با ایران بمصارف نیفتده بودند مسلما تاکنون کلامی در این راه برداشته نشده بود . با این توصیف است که زمامداران ایران هنوز هم چهد دارند درمورد توسعه روابط اقتصادی خود با کشور های سوسیالیستی روابط خود را با کشور های امپریالیستی و با انحصارات فارتگر آنها ، دوستانه و گرم ، نگاهدارند . آنوقت به این تبلیغ و به این « جمجمه » ذهن ، سیاست مستقل ملی » داده میشود. و این در شرایطی است که اوضاع و احوال کنونی جهان و تغییر تناسب قوا در عرصه بین‌المللی مساعد ترین امکانات برای اتخاذ سیاست واقعا ملی ووااقعا مستقل در اختیار کشور های لاسرشدی چون ایران گذارده است .

آرزوی ملی و توقعات امپریالیسم

انحصارات امپریالیستی مقاده شده بسرمایه‌گزین توقعات اقتصادی ایران لانه کرده و عمده حیاتی آنرا میمکند . ایران احتیاج به تأمین آهنگ رشد سریع دارد تا بتواند در مدتی کوتاه به عقب ماندگی دیرین و موهن خود در زمینه اقتصادی پایان دهد . شرایط عینی جهان کنونی برای تحقق این آرزوی ملی ایرانیان از هر جهت مساعد است . ولی تلاقه و اجتاج لازم کنونی به حفظ پیوند های خود با کشور های فارتگر امپریالیستی و بویژه با امپریالیسم امریکا مانع تحقق این آرزوی ملی است . امپریالیسم‌های امریکا با تمام قوا میکوشند درامدنفت ایران از محل نفت وسایر درآمد های ارزی ایران به دلار برای هدفهای اساسی رشد اقتصادی ایران بمصرف نرسد . برای اینکار هم اهرمهای مقدماتی بصورت کنسرسیوم نفت وکلمه‌ای در بلوك جلوگیر از امپریالیسم سنتو و قرارداد نظامی دوجانبه بامریکا و مبادلات تجاری مبتنی برسیاست در هر ملی بلوسواف از عقد موافقتنامه های بازرگانی در اجلاس دارند و از این اهرمها برای پیشرفت مقاصد استعمری خود حداکثر استفاده را بعمل میآورند . مانندمارز وزیر دفاع امریکا چندی پیش در مجلس نمایندگان امریکا بصوت هیچ پرده پوشی مقاصد امپریالیستی امریکا و توقعات استعمارگرانه خود ازرژیم ایران را فاش ساخت و صریحاً گفت : « ایران پیشرفتهای اقتصادی قابل ملاحظه ای بدست آورده . باوجودیکه ما از کمك خود به ایران کاستهایم و قصد داریم در آینده باز هم از آن بکاهیم . ما نمیخواهیم که کشور های خاورمیانه بتوانند منابع خودرا بصرف معارف نظامی و مصارف اقتصادی ... » بعرضی ، تقسیم کنند» . کاملا آشکار است که ماخذاندازه اقتصاد « عرضت » منابع ایران بین مصارف نظامی و مصارف اقتصادی به چه چیزی و از طرف چه کسانی است .

تمایل به ارضاء خواستهای خارجگران

برای ارضاء همین خواستهای امپریالیستها است که موای رژیم بوسیله تمام کوشش خود را برای « گرم نگاهداشتن » و حفظ روابط دوستانه سابق با « جهان غرب » تاکید میکند .

اینك شاه مارم امریکاست وم‌آنجا و بوز بطور رسمی با جشنون ملاقات خواهد کرد . نتیجه است که دراین ملاقات مسئله توسعه روابط ایران با کشور های سوسیالیستی وبخصوص با اتحاد شوروی نیز مطرح خواهد شد و از کلیه موسائل و اتفاقات برای رفع « نگرانی » ایران بعمل خواهد آمد . ولی این مذاکرات هر نتیجه ای را که بیار آورد در اوضاع مردم ایران برای مؤثر درمالات مسئله توسعه روابط ایران با کشور های سوسیالیستی وبخصوص با اتحاد شوروی و روابط بازرگانی با همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی کمترین عکس العمل وارد نخواهد ساخت . هر کاس که برای رفع « نگرانی » امپریالیسم امریکا در ایران بعمل آید با بیزاری ونفرت از طرف توده مردم ایران محکوم خواهد شد .

عملت وخصوصیات همکاری اقتصادی و همکاری اقتصادی با کشور های سوسیالیستی

روابط بازرگانی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بطور خصلت و بنحوت عمیقا متفرگی از دایانی آنچنان ارزش و اهمیتی است که هیچ میهن پرست و عنصر فارتگرخواه نمیتواند در راه بسط دامنه آن با تمام قوا مجاهدت نورزد .

این روابط بر خلاف روابط اقتصادی امپریالیستی بر پایه کشور های امپریالیستی مبتنا جولیگوی منافع حیاتی مردم ایران است زیرا این روابط : ۱ ـ پایبانی است برای در مقابل وزود مقدار معین کالا غربه معادل آن از کالا های داخلی ایران تعهد میشود و از پرداخت ارزی مقدار است : ۲ ـ وامها و اعتباراتی که کشور های سوسیالیستی در اختیار ایران میگذارند دارای بهره بسیار ملایم است : ۳ ـ واردات کالا از کشور های سوسیالیستی شامل ماشین آلات صنعتی و کشاورزی و یا کالا های است که اولا مورد نیاز معرفی عموم است و ثانیا نظائر آن یا در کشور خود تولید دارد و یا میزان آن کم است و برای تأمین مصرف داخلی کافی نیست (مانند قند و شکر و غیره) . تأمین کمبود این کالا ها از کشور های دیگر میتواند پرداخت ارز و مشمول شرایط نامساعد دیگر مسود در مبادلات باین کشور عاشد : ۴ ـ نرخ کالا های وارداتی از کشور های سوسیالیستی و نیز نرخ کالا های صادراتی بایت کشورها عادلانه است و در تعیین آن منافع ایران از هر جهت تأمین میگردد : ۵ ـ هدف اساسی فرهنگزای اقتصادی و روابط بازرگانی کشور های سوسیالیستی با ایران رفع نیازمندیهای صنعتی و ایجاد پدیدا مادی و لازم برای صنعتی ساختن کشور است . بالمقیمه توسعه این روابط برخلاف روابط با کشورهای امپریالیستی نه تنها رشد تولید داخلی را فلج نمیکند و کالا های داخلی را با رقابت کمر شکن مواجه نمیسازد بلکه برعکس استوکشور کالا های داخلی و صادراتی و همکاری اقتصادی با این کشور ها به رشد اقتصادی و تسریع برنامه‌های عمرانی و پیشرفت تولید داخلی بطور مؤثر کمك میکند و برای ایران امکان مقاومت دربرابر انحصارات غارتگر امپریالیستی بوجود میآورد .

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۴

پیش بیرند. این عمل آنها کاملاً در منفعت خلقها و مبارزهٔ آنهاست.

این سیاست که متشعشعات آنرا بیان داشته‌اند این جنگ سرد را نه فقط نگاه نمیدارد بلکه آنرا محکوم بزوال میکند و امپریالیسم را در وضع دشواری قرار میدهد زیرا اگر آنرا بپذیرد : شرایط انفراد دوبینی خویش را فراهم آورده است. اگر در مقابل آن مقاومت عنوانانه ورزد : چهرهٔ خود را که فقط در مقابل کشورهای محروم بلکه حتی در برابر همه ملیتهای که اینجا و آنجا در سیاست امپریالیستی جنگ سرد قربانی نیستند افشا میکند و باز هم خود را منفرد میسازد . این سیاستی است هم انسانی و هم خردمندانه ، هم واقع بینانه هم انقلابی . تمام روش اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را از آنجمله در مورد جهان ما ایران باید در این نقطهٔ قهمید . البته اگر در ایران امکان تحول انقلابی قوی بود ، وضع میتوانست رنگ دیگری بخود گیرد . ولی گناه کیست که سازمانهای تحول طلب در ایران نا امروز نه فقط متحد نیستند بلکه متفرق در آن هستند ؟ به روش همانندگی و مدرنانه‌ای می جهز نیستند و بطور عمده به محافل بحث و ستیز در خارج از کشور میدل شده اند و هیئت حاکمه ایران بر عکس توانسته است با استفاده از اشتباهات و غفلتهای گذشته و تبلیغاتی علی کیونی مخالفین خود ، موفقاً بر اوضاع مسلط شود و سیاستی کارا در از مخالفین خود بسود بقاء خویش در صحنه ایران و جهان درپیش گیرد ؟ ما نباید منتظر بشیم که برای انقلاب کشور ما کسانی دایگی و پرستاری کنند و یا آنکه کشور های سوسیالیستی در این صحنه بترتیب سیاست جهانی که هر روز آن آسمان واقعه نامنتظره ایست دست روی دست گذارند و به بحث و ستیز پایان ناپذیر ما گوش فرا دهند و چشم براه کرامات ومعجزات ما بنشینند و عجالتاً ایران را تا ظهور قائم موعود به تاخت و تاز ویشها و تاراج امپریالیسم رها سازند .

دلیل چهره‌ها از وضع ایران باز نافرست است.

دعوت بقیام مسلح و جنگ پارتیزانی در شرایط فقدان

محمل هسای عینی و ذهنی صاف و ساده یک دعوت توخالی و ماجراجویانه است . تردیدی نیست که هر انقلابی آرزومند آنست که پرچم بورژسیم را در ایران سرنگون بیند . آرزومند آنست که بهبیند در ایران نیز میلند ودمام قهرمان ، مردم یک تنه بدیدرد با امپریالیسم و ارتجاع برخاسته‌اند ولی از آرزو تا واقعیت فاصله اولوانی است . انقلاب اجتماعی را بشیوه لولی بلانکی تنها بکمک زیرکی و چابلوی چند پیشاهنگ نمیتوان تحقق بخشید. قوانین انقلاب اجتماعی صلابت کمی آنها را روشن کرده است و ما بارها گفته‌ایم و اینک تکرار میکنیم :

۱ - باید شرایط عینی انقلاب فراهم باشد یعنی هیئت حاکمه نتواند بشیوه سابق امور را اداره کند و مردم نخواهند بشیوه سابق برآنها حکومت شود و مزم مردم برای سرنگون کردن بساط هیئت حاکمه واقدام باین امر جزم باشد . در ایران نارضائی شدید مردم از رژیم وجود دارد ولی نارضائی شدید هنوز بمعنای بحران انقلابی نیست بالضمیاد میتوان گفت درشرایط کنونی در ایران وضع انقلابی وجود ندارد . تردیدی نیست که وضع برهمین منوال نخواهد ماند . تناقضات رژیم میتوانند خود وسلماً بحرانهای رژیم درآینده روی خواهند داد . ولی در عین حال نباید فراموش کرد که هیئت حاکمه ایران از همیشه برای مقابله با بحران مجربتر است و لذا کار انقلابیون در آینده دشوارتر از گذشته است . بالاینحال اگر بهنگام وقوع بحرانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی سازمان مجهز و با نفوذ انقلابیون وجود داشته باشد مجبوراً برای پیروزی انقلاب خودنمائی روشن دید . عامل عینی بدون عامل ذهنی نمیتواند خود بخود به انقلاب منجر گردد .

۲ - لذا بنابید شرط ذهنی شرط اول فراهم باشد یعنی سازمان انقلابی نیرومند و بانفوذ و با توانی از انقلابیون وجود داشته باشد که بتواند توده‌ها را بمنابال خود بکشد . متنفذ سازمان طبقه کارگر و تفرقه در نیروهای تحول طلب در اینجا نیز وضع رضایت بخش بوجود نیاورده است.

در مقابل این نظر (این نظر و بویژه تمریشی آن در شرایط مشخص کنونی اجتماعی کشورخودمان باور نداریم وحق نداریم براساس چیزی که آنرا درست نمیدانیم) عمل کنیم . آنهائی که باآن باور دارند پیاپند و در عمل خطای فکر ما و صحت برآورد و دید خود را ثابت کنند ! کدام ایرانی انقلابی است که اینروزی آرمانهای سوسیالیستی در ایران بچال شامل نشود. مانرجیح میدهیم دارندگان تاجیر استعمار واستبداد بگسلند، پدست هر کس میخواهد باشد . ما در اینجا خود خواهی شخصی و سازمانی نداریم . ولی وظیفه هر نداریم مردم را براهی فرا خوانیم که آنرا حادثه‌جویانه و بی سرانجام و غلط بدانیم . مسئولیت این نظریات و ابراز آن با آنها که آنرا « آخرین کلام » تئوری میشمرند .

از آنجا که چهره‌ها تنها سرنگون کردن رژیم و جنگ پارتیزانی را بعنوان تنها شعار مردم پیش میکشند ناچار کوچکترین توجهی بمبارزات تاکتیکی ندارند وبررسیدن تحلیل وضع کنکرت ایران « اقدامات رژیم » ماهیت طبقاتی رژیم ، رابطهٔ رژیم با امپریالیسم، تناقضات داخلی رژیم و غیره و غیره علی‌السویه است.

و از آنجا که ما بسر عکس شرط اول برای اجرای شعار استراتژیک در حال حاضر محمل های ضرور را فراهم نمیبینیم بناچار توجه خود را بمسائل مبرم و تاکتیکی و تحلیل های کنکرت معطوف میداریم . بدون کمک تحلیلی هدف استراتژیک وقائی خود را از نظر دور داریم . از همین جا دوبرخورد بکلی متضاد پدید میشود . کوشش ما برای تحلیل مشخص وضع ایران و اقدامات رژیم بما کنار های شعار مقتدر و تهییجی چپ روها که مفهومی آمیخته انقلابیت است فرق اساسی پیدا کند . زیرا انقلابی بودن بیه ادعا کاری و لفاظی نیست . انقلابی کس است که واقعاً بخواهد انقلابیه و سازمان انقلابی را در مسیر تاریخ بنه پیش ببرد وراهی اینکار باقوانین گیه باید بشیوه انقلابی و گاه بشیوه های علنی عمل کند ! گاه تعرض کند سنگی کند؟ گاه نرمش ؟ گاه شعار حد اکثر را پیش کشد؟ گاه شعار حد اقل ، ناه در کنار وضع موجود عمل نماید گاه که شرایط را فراهم دید این کار را بشکند .

نتیجه

چپ‌روی و چپ‌نمائی در نیرو های اپوزیسیون غیر توده‌ای علاوه برعلل اجتماعی آن ، دارای برخی علل سیاسی بسیار مهم است . مخالفین بعنوان ایدئولوژی ناسیونالیستی و هژمونیسم یکی شعارهای چپ‌رو وسیله خوبی برای جاب مردم محروم و عقلتان رهائی میدانند و برای تابع این نظریات تلاش عظیمی بکار میبرد . امپریالیسم و سازمان جاسوسی « سیا » حاضر است حتی آن « کمونیسم » را که مقد شوروی و مقد حزب اصلی کمونیستی کشور میبت باشد بعنوان « لائیسم » برشتر قبول کند و به مبلغین چنین « کمونیسم » ، ازهر دانه‌کمک رساند . سازمان امنیت ایران نیز همین منی را دنبال میکند . لذا نه فقط منشاء اجتماعی چپ‌روها قابل جذب بودن شعار های تند و تیز ولی تهی از واقعیت ، کسترش چپ‌روی را تسهیل میکند بلکه چنین کمکی بنیروهای نیز درپس صحنه ایستاده‌اند . با توجه باین عامل است که باید گفت ما فقط با چپ‌روها رودرو نیستیم بلکه با چپ‌نمایانی نیز روبرو هستیم که سخنان چپ پردازی آنها وسیله کار است و خود بسه آنها باور ندارند . و دانستن منی واقع بینانه هستند آن‌مردی است که بر بیابان فریاد میکشید اینریک بود وضع بسیار نگرانی آور است . کشاندن نیرو های تحول طلب ایران به گرداب مقد شوروی، مقد توده‌ای، انقلابیگری کاذب، خدمت دانسته یا ندانسته به امپریالیسم و سازمان امنیت و دشمنان انقلاب ایران است . چا دارد که همه کسانیکه دراین اشتباه بدون اندک غرض ویالیت یک شرکت جسته‌اند بخود آیند ، بچشید و حساب خود را از « کارگروقائی مرموز » جدا سازند . حزب ما با همه مشکلات موجود بدون هور وبدون خشکی کمماکان به تلاش مقدس و مشور خود براهی اتحاد و تجمع نیروها ادامه خواهد داد و مطمئن است که اصل تجمع نیرو های تحول طلب اصلی است که اگر در راه آن پیگیرانه و با شیوه صحیح مبارزه شود پیروز خواهد شد . مسئولیت شکست و ناکامی نهضت در این شرایط تماماً متوجه کسانی است که بازوش فکری و عملی خود درراه تحقق این تجمع نیروها کار شکنی میکنند .

در عین حال باید هشیار بود که مبارزه بر علیه چپ‌روی از موضع واقعی انقلابی صورت گیرد نه از موضع ایرانوپرستی راست و تسلیم طلبی . باید برحذر بود که دفاع از صلح و سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز و مسابقه مسالمت‌آمیز در میدهم بچپ‌روها نیز علیه امپریالیسم و استعمار و استعمار نو و سرمایه داری و حمایت محکم و همه جانبه از جنبشهای رهائی بخش و انقلابی از مبارزه نگذارد و یا تضعیف نکند و نیز دفاع از بسط مناسبات اقتصادی و کشور های سوسیالیستی و آزمایش واقع بینانه اقدامات رژیم و تکیه بر روی شعار های مبرم تاکتیکی ضرورت مبارزه بیگیر علیه رژیم ضد ملی ضد دموکراتیک و استبدادی شاه واشتد و انتقاد از خط مشی مبارزاتی چپ‌روها یک خط مشی واقعاً انقلابی وحقیقاً واقع بینانه تقاضاست بسیج کننده و شورانگیز باشد . ماجراجوئی و تسلیم طلبی نه در مبارزه بنفع رژیم و نهضت نیست .

پیش از ختم این مقال این نکته را نیز تصریح کنیم که حزب ما مدعی آن نیست که خود در خط مشی خود از اشتباه و تجاوز نافرست مبری بوده است وما اکنون مبری است. اصل برای تنها حزب مبارزست و تلاش مداوم انقلابیه برای درک واقعیت و تنظیم خطی صحیح والا اشتباه برای حزبی که می‌اندیشد ورزوده تاگزیر است . حزب ما نیز در تحلیلها و استنباط های خود و مبارزه خویش ناچار ارزیابی‌ها و گرایشهای نافرست شده است ولی حزب توده ایران میکوشد تا بتوری برگشت‌پذیر انتقادپذیر را پرورش داده‌ضعف‌ها را بشکل علمی و خلاق التیام دهد و از بارت تلاش مداوم خویش تضمین کند . و از این روی نیز حزب جوان امکانهای دارد که بتواند واقعاً انقلابی ، عملی و پیشرونده وی بتواند بر همه‌دود صحیح مبارزه بر ضد استعمار وامپریالیسم و استبداد مبدل گردد وپیروزی و راستی‌وی در جهت پیروز شود .

شماره دوازدهم «شعله جنوب» ارگان تشکیلات خوزستان حزب توده ایران منتشر شد

سرمقاله این شماره به روز اول ماه سه چنبش کارگروان سراسر جهان اختصاص یافته وهرآن پس ازاشاره به مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در دورانهای مختلف و فداکاریها و جانبازیها و مرارتهای که این طبقه بخاطر نیل به آرمانهای انقلابی خود تحمل کرده است گفته میشود ، طبقه کارگر ایران در طول قریب آخش تاثیر خود پیروزیهائی بدست آورده و شکستهائی خورده ولی هرگز پرچم مبارزه را بزمین نگذاشته است . . . . در میان مبارزات افتخارآمیز کارگران ایران کارگران و زحمتکشان خوزستان مهم پیشانی داشته‌اند . هنوز اعتصابات و مبارزات اعتبار آمیز سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ و ۱۳۲۵ و ۲۹ و ۳۰ که توام با فداکاری و از خودگذشتگی فراوان بوده از خاطرها زدوده نگردیده . در مقاله از کارگران دعوت شده است که متحد و برگزاری جشن اول ماه مبارزه و خواستهای خودرا مطرح سازند؛ همبستگی و سوگند های خود را تجدید کنند و بسوی وحدت گام بردارند .

روزنامه بمناسبت فوت آقای دکتر مصدق نامه تسلیت تشکیلات جنوب - حزب توده ایران را همراه با صفحاتی تحت عنوان « مصدق رهبر ملی و مشعر استعمارگران » درج کرده است درمقاله بی از اشاره به شخصیت آقای دکتر مصدق ومبارزات پیگیر او علیه استعمار گفته شده است : « دکتر مصدق در مصطلی از سرنیزه‌ها و مأموریتن سازمان امنیت چاپ سپرد و در آخرین لحظات حیاتش نیز از یک روز آزاد ساختن او وحدت داشتند . . . بلو اجازه داده شد که بخارج برود و یا حتی پزشکی جهت معالوای او دعوت کنند . . . پس از مرگ او نیز از ابراز همدردی مردم و درج آگهی های تسلیت درجراید جلوگیری کردند مقاله چنین پایان یافته است : « آنکه مصدق در میان ما نیست وظیفه همه آزادیخواهان و نیرو های ملی و مترقی است که دست از تفرقه برداشته در یک جبهه واحد ملی گرد آیند » مقاله دیگر روزنامه تحت عنوان « ارمغان شاه بخوزستان » است که روزنامه به اطلاع خوانندگان خود میرساند که چگونه سازمان امنیت و دیگر دستگاههای پلیس قبل از ورود شاه مردم را مورد آزار و اذیت قرار دادند و عده‌ای را در آبادان و شهر های دیگر دستگیر کردند . با تحریک مستقیم سازمان امنیت عشیره های مخالف هم را بجان هم انداختند ودرنتیجه ۳۰ نفر کشته شدند و ۵۰ نفر را دستگیر کردند و ۸۰ نفر را روانه زندان نمودند ، با آنکه کوشش میشد صدای اعتراض کارگران بلند نگردد ولی روزنامه نوشت اعتلاب ضد دستگیر کردند ولی کارگران باین نوع صحنه سازیها که در سالهای اخیر باب شده بود اعتراض میکنند و خشم و بیزاری خود را نشان میدهند .

شماره اخیر شعله جنوب مانند همیشه حاوی اطلاعاتی از زندگی و مبارزات زحمتکشان میباشد . این اخبار نشان میدهد که در شرایطی که هیچ نوع آزادی برای تشکل و مبارزه وجود ندارد وکوچکترین صدای اعتراض با اعتصاب سرکوب میشود ، چگونه کارگران و زحمتکشان برای تأمین مطالبات خود از راههای گوناگون مبارزه استفاده میکنند . شعله جنوب درج مجلهٔ کارگران و زحمتکشان جنوب را در صفحات خود بازتاب میکند و بخش آنان را برای گرفتن حقوق خود متمسک میسازد و راه تشکل و مبارزه را نشان میکوشد . ما موفقیت تکثیری شعله جنوب را و میمنانه بازوی میکنیم و انتظار داریم که در شماره‌های آینده از پیشرفت های تشکیلاتی و مبارزاتی کارگران و زحمتکشان

بقیه از صفحه ۶

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر - تحول بنیادی در سیاست جهانی

عده دوران ، یعنی تضاد بین کار و سرمایه ، تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی گسترش یافت و مناسبات بین دولتها را در بر گرفت . بدینترتیب تضاد و مبارزه بین دو سیستم سرمایه داری و سوسیالیسم به محور سیاست جهان مبدل شد و قانون اساسی دوران نوین را تشکیل داد .

دولت شوروی بر پایه تحلیل علمی وضع مشخص جهان و مجامیع دقیق تاثیب قوا در مقابل سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم ، سیاست همزیستی مسالمت آمیز و مسابقه مسالمت آمیز اقتصادی دولت های دارای رژیمهای اقتصادی و اجتماعی گوناگون را قرار داد .

سیاست صلح اتحاد شوروی ناشی از طبیعت تولید سوسیالیستی ، ناشی از طبیعت رژیم اجتماعی و سیاسی کشور است که چهره کنونی انسان را انسان و خلق از خلق را ملتی ساخته و با تجاوز وکشور گشائی منافات دارد . همین امر است که سیاست خارجی اتحاد شوروی را در نقطه مقابل سیاست خارجی دولتهای امپریالیستی قرار میدهد .

اتخاذ قراردادهای مربوط باستقرار روابط عادی دیپلماتیک و اقتصادی با کشور های سرمایه داری (سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۳۵) ، مبارزه علیه تشکیل جبهه واحد ضد شوروی (سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۳۲) ، مبارزه برای ایجاد سیستم امنیت جمعی (سالهای ۱۹۳۳ - ۱۹۳۹) مهمترین مراحل دیپلماسی شوروی را در دوران قبل از دومین جنگ جهانی تشکیل میدهد . در نتیجه اجراء پیگیرانه اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز دولت شوروی موفق شد برای کار زحمتکشان شوروی شرایط خارجی مساعدی فراهم سازد ، اقتصاد ملی را که در نتیجه جنگهای داخلی از هم پاشیده بود احیاء کند ، سیاست لنینی صنعتی کردن کشور و کلکتیویزاسیون کشاورزی را که به پیروزی سوسیالیسم منجر شد اجرا نماید . تردیدی نیست که بدون این مقدمات شکست دادن تجاوز کاران فاشیست در جنگ دوم جهانی، تصور ناپذیر بود .

از هنگامیکه اردو های هیتلری اعلام جنگ به اتحاد شوروی حمله بردند تا پایان دومین جنگ جهانی سیاست خارجی دولت شوروی در جهت تحکیم و توسعه اتحاد ضد فاشیستی و تسریع شکست دولتهای فاشیست بود . موضع محکم و اصولی دولت شوروی طی کنفرانس های تاریخی تهران (۱۹۴۳) ، یالتا (۱۹۴۵) ، پتسدام (۱۹۴۵) موجبات خاتمه پیروزمندانه جنگ را فراهم ساخت و بطور عمده مسیر حیات بین المللی دنیای پس از جنگ را مشخص نمود .

در نتیجه شکست دولتهای فاشیستی تحولات انقلابی شگرفی نخست در کشورهای اروپای شرقی سپس در آسیا و بالاخره در کوبا انجام گرفت سوسیالیسم به سیستم جهانی مبدل گردید ، جنبش کارگری در کشور های سرمایه داری رونق یافت و نهضت ضد استعماری در کشور های مستعمره و وابسته اوج گرفت . در نتیجه این تحولات بویژه در اثر تشکیل جامعه کشور های سوسیالیستی که بیشک بارز ترین رویداد دوران پس از جنگ است تناسب نیروها در عرصه جهان بسود سوسیالیسم تغییر یافت . اتحاد در مبارزه بخاطر صلح ، دمکراسی و علیه سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم ، اتحاد شوروی تنها نیست بلکه در این امر حیاتی کشور های سوسیالیستی دیگر با دولت شوروی همگامند .

تجربه نشان میدهد که در مبارزه علیه امپریالیسم که هنوز بایجاد جنگ جهانی سوم امید بسته است همبستگی و وحدت کشور های سوسیالیستی اهمیت اساسی دارد . بدین سبب تقویت دوستی و همکاری برادرانه بین همه کشورهای سوسیالیستی یکی از ارکان اساسی سیاست کنونی دولت اتحاد شوروی بشمار میآید .

اتحاد پرادرانه با مردم کشور های درحال رشد یکی از اصول بنیادی سیاست خارجی حزب کمونیست و دولت شوروی را تشکیل میدهد . حزب کمونیست اتحاد شوروی کمک به ملتی را که در راه احراز و تقویت استقلال ملی به پیش میرود و کمک بتمام ملل مبارز در راه محو کامل سیستم استعمار را وظیفه انترناسیونالیستی خود میشمرد .

این اصل لنینی که در برنامهٔ حزب کمونیست شوروی قید شده است در زمینه مناسبات با کشور های رشد یافته همواره راهنمای سیاست خارجی اتحاد شوروی بوده است . دولت شوروی نخستین دولت معظم بود که با کشور های وابستهٔ چین ، افغانستان ، ایران و ترکیه بر اساس برابری و مراعات کامل استقلال این کشور ها در نخستین سالهای پس از انقلاب اکتبر پیمانهائی منعقد کرد . کمکهای دولت جوان شوروی بمردم کشور های ترکیه و افغانستان در مبارزه استقلال طلبانه آنان امکان داد تا در مقابل فشار امپریالیسم مقاومت ورزند . در دوران پس از جنگ دوم جهانی کمک اتحاد شوروی به کشور های استقلال و در راه رشد موازنه فزاوانی دارد که شتاب همه آنها در این مقاله نمیگنجد . سیاست پشتیبانی از کشور های رشد یابنده باشکال گوناگون تظاهر میکند . پشتیبانی دیپلماتیک ، کمک اقتصادی ، مبادلات فرهنگی و تربیت کادر های ملی ، کمک نظامی و در شرایط معین ابراز آمادگی برای کمک مستقیم نظامی وجوه گوناگون پشتیبانی اتحاد شوروی از کشور های رشد یابنده را تشکیل میدهد . عمل و فعالیت دولت شوروی در صحنه جهانی خلقها را به نیروی خویش مطمئن ساخته اعتماد قدرتی امپریالیسم را نقش بر آب کرده است . اکنون دیگر برای همه معلوم است که وجود اتحاد شوروی حتی هم اگر کشور رشد یابنده بآن دوا ملی برقرار نکرده باشد برای این کشور در مقابل امپریالیسم تکیه گاه مطمئن بشمار میرود و بطور عینی استقلال کشور را تحکیم میکند . اکنون دیگر امپریالیستها نمیتوانند در اقدامات خود علیه کشور های آسیا ، افریقا و امریکای لاتین موضع اتحاد شوروی را بحساب نیاورند .

اگر بخواهیم بیلان مجمل از حوادث سالهای پس از جنگ تنظیم کنیم در همان حال که تشکیل جامعه کشور های سوسیالیستی ، کامیابیهای اتکار تاثیر دیپلماسی سوسیالیستی و رونق بیسابقه جنبش آزادیبخش ملی را در نظر میگیریم نمیتوانیم پیدایش سلاح اتمی و هسته‌ای را که در دست امریالیستها است و کشتارسیونهای کارگری مبارزه کرده تنها زندگی باتمام شرافت و آزادی بسر خواهند کرد .

مسئله مرکزی فرمولبندی مردم فرمتراتیک کنونی مبارزه در راه دموکراسی یعنی مبارزه در راه آزادی احزاب و سندیکاها و مطبوعات و انتخابات ، نظر عمومی کلیه محکومین سیاسی ، تامین بازگشت آزادانه کلیه پناهندگان سیاسی به میهن است . در صورت وجود این آزادیها مردم ایران میتوانند اراده خود را بجلوه‌گر سازند و جامعه را با آهنگ سرعت ناشی بطرف جلو ببرند . مبارزه فراوان دموکراسی پاشیرزه عمومی مردم است و وظیفه کارگر باید در این مبارزه عمومی مردم نقش مایسته خویشرا ایفاء کند .

کارگران و زحمتکشان ایران !

یکی از توصیه های دائمی حزب ما آمیختگی کارگران در سندیکاهای موجود شرکت جویند و بکوشند تا این سندیکاها را بمرکز جدی مبارزات صنفی مبدل نمایند. باید مبارزه کرد تا مدافعان این سندیکاها رسم انتخابات آزاد و حقیقی عمل کنند و نمایندگان حقیقی کارگران باشند . سندیکاها وشورا های کارگری جای گیرند و تمایلات و خواست واقعی کارگران را منعکس سازند . در عین حال کارگران باید استفاده از شرایط خواهند کوشید تا سندیکاها های خود را هر جا که چنین سازمانی وجود ندارد ایجاد کنند . وظیفه آگاه ترین افراد کارگر آنست که شیوه‌ها و اشکال صحیح کار سندیکائی را بیابند و ازهمه امکانات قانونی و علنی برای بسط مبارزات صنفی و مطالباتی استفاده کنند . باید در راه تجمع سندیکاها وایجاد فدراسیونها و کنفدراسیونهای کارگری مبارزه کرد تنها زندگی سندیکائی بتدریج جا و اهمیت و اعتبار در خور خود را درجامعه ما کسب نماید .

کارگران و زحمتکشان ایران !

در راه حقوق حزب صنفی و کارگری خود مبارزه کنید . اصلاح و اجراء قانون کار و سازمان بیمه های اجتماعی و تعمیم آنها با شرکت نمایندگان منتخب کارگران و کارکنانها و کارخانه های سراسر کشور بخواهید و در راه صنعتی شدن کشور و بسط تولید داخلی مبارزه نمائید . برای تعیین حداقل دستمزد با توجه بمشاخص هزینه زندگی ، برای شادمانی کامل و برای حل اعتصاب که سلاح مؤثر مبارزه کارگر است، برای پخش آوردن واقعی مساعات کار تا حدودی که در قانون کار و قوانین بین‌المللی ذکر شده است ، برای اجراء قانون مرخصی سالانه و تعطیلات با استفاده از حقوق مبارزه کنید . جنبش همبستگی با برای دفاع از حقوق هم صنفی و همکاران بسط دهید و با اجراءهای قهری وجمعی کارگران مبارزه نمائید . در مبارزه متحدین مردم علیه استعمار و استبداد شرکت جویید و بشعارهای از هر باره پائین رسانید .

پیروزباد نیرو متحد کارگران ایران !

زنده باد حزب توده ایران !

حزب طبقه کارگر ایران !

فرخنده‌باد جشن اول ماه مه - جشن همبستگی کارگران جهان !

کمیته مرکزی حزب توده ایران

ایران پیام درفریح ۱۳۴۷ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۷) در رادیو پیک ایران پخش گردید .

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه

بقیه از صفحه ۱

از پیش جبهه صلح و دموکراسی و سوسیالیسم خواهد شد . از هر طریق که میتوانید به مجاهدان استقلال طلب و آزادی پرست وهدایم جنگهای صلحی و معنوی بپوستید !

کارگران و زحمتکشان ایران !

مسئله مرکزی فرمولبندی مردم فرمتراتیک کنونی مبارزه در راه دموکراسی یعنی مبارزه در راه آزادی احزاب وسندیکاها ومطبوعات و انتخابات ، نظر عمومی کلیه محکومین سیاسی ، تامین بازگشت آزادانه کلیه پناهندگان سیاسی به میهن است . در صورت وجود این آزادیها مردم ایران میتوانند اراده خود را جلوه‌گر سازند و جامعه را با آهنگ سرعت ناشی بطرف جلو ببرند . مبارزه فراوان دموکراسی پاشیرزه عمومی مردم است و وظیفه کارگر باید در این مبارزه عمومی مردم نقش مایسته خویشرا ایفاء کند .

کارگران و زحمتکشان ایران !

یکی از توصیه های دائمی حزب ما آمیختگی کارگران در سندیکاهای موجود شرکت جویند و بکوشند تا این سندیکاها را بمرکز جدی مبارزات صنفی مبدل نمایند. باید مبارزه کرد تا مدافعان این سندیکاها رسم انتخابات آزاد و حقیقی عمل کنند و نمایندگان حقیقی کارگران باشند . سندیکاها وشورا های کارگری جای گیرند و تمایلات و خواست واقعی کارگران را منعکس سازند . در عین حال کارگران باید استفاده از شرایط خواهند کوشید تا سندیکاها های خود را هر جا که چنین سازمانی وجود ندارد ایجاد کنند . وظیفه آگاه ترین افراد کارگر آنست که شیوه‌ها و اشکال صحیح کار سندیکائی را بیابند و ازهمه امکانات قانونی و علنی برای بسط مبارزات صنفی و مطالباتی استفاده کنند . باید در راه تجمع سندیکاها وایجاد فدراسیونها و کنفدراسیونهای کارگری مبارزه کرد تنها زندگی سندیکائی بتدریج جا و اهمیت و اعتبار در خور خود را درجامعه ما کسب نماید .

کارگران و زحمتکشان ایران !

در راه حقوق حزب صنفی و کارگری خود مبارزه کنید . اصلاح و اجراء قانون کار و سازمان بیمه های اجتماعی و تعمیم آنها با شرکت نمایندگان منتخب کارگران و کارکنانها و کارخانه های سراسر کشور بخواهید و در راه صنعتی شدن کشور و بسط تولید داخلی مبارزه نمائید . برای تعیین حداقل دستمزد با توجه بمشاخص هزینه زندگی ، برای شادمانی کامل و برای حل اعتصاب که سلاح مؤثر مبارزه کارگر است، برای پخش آوردن واقعی مساعات کار تا حدودی که در قانون کار و قوانین بین‌المللی ذکر شده است ، برای اجراء قانون مرخصی سالانه و تعطیلات با استفاده از حقوق مبارزه کنید . جنبش همبستگی با برای دفاع از حقوق هم صنفی و همکاران بسط دهید و با اجراءهای قهری وجمعی کارگران مبارزه نمائید . در مبارزه متحدین مردم علیه استعمار و استبداد شرکت جویید و بشعارهای از هر باره پائین رسانید .

پیروزباد نیرو متحد کارگران ایران !

زنده باد حزب توده ایران !

حزب طبقه کارگر ایران !

فرخنده‌باد جشن اول ماه مه - جشن همبستگی کارگران جهان !

کمیته مرکزی حزب توده ایران

ایران پیام درفریح ۱۳۴۷ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۷) در رادیو پیک ایران پخش گردید .

در باره اعدامهای اخیر

بدنبال تیر باران بهمن بهادری قشقائی ، رژیم شاه در ماههای اخیر دست باعدامهای تازه‌ای زده است . در اوائل اسفند ماه سال گذشته ، ناگهان خبر اعدام ۵ نفر غیر نظامی از عناصر چپ باتهام «شرارت» و «دمکتی» و دو نفر درجه دار ژاندارم باتهام «عدم اجرای شکایف و وظائف قانونی» در روزنامه‌های عصر انتشار یافت. همراه با اعدام شدگان ، ۱۵ نفر درجه دار ژاندارمری نیز هرکدام به ده سال حبس موقت با اعمال شاقه محکوم شدند .

یکماه بعد یعنی روز ۲۴ فروردین طبق خبر روزنامه اطلاعات امیر علی رضائی باتهام قتل دو تن از مالکین فارس اعدام شد .

موج اعدامهای اخیر که همه از طبع مستبد رژیم و احکام ظالمانه دادگاههای فرمایشی نظامی برمیخیزد مورد اعتراض شدید مردم ایران است . رعایت حد اقل موازین حقوق بشری حکم میکند که به هر متهمی امکان داده شود در دادگاه علنی حضور یابد ، دلائل اتهام وی در معرض افکار عمومی قرار گیرد و حق داشته باشد که آزادانه از خود دفاع کند . سپردن سرنوشت مردم بدست دادگاههای در بسته‌ای که گردانندگان آن وظیفه‌ای جز اجرای اوامر مافوق و محکوم ساختن متهم‌ها برای خود نمیشناسند بمعنای وحشت از قضاوت مردم است که از خصائص حکومتهائی است که با مردم پیوندی ندارند . رژیم شاه باید سرانجام بپذیرد که تا کی میتوان عدم رضایت مردم را با گلوله و حبس پاسخ داد .

و وسیله امحاء دست جمعی توده های مردم و تمدن متمدنانه از نظر دور داریم و تاثیر آنرا درسیاست بین‌المللی بحساب نیاوریم . با توجه به مجموعه این عوامل است که اتحاد شوروی بخاطر حفظ صلح جهانی و بر طرف کردن خطر جنگ هسته ای پیگیرانه تلاش میکند .

در شرایط کنونی هدف سیاست خارجی اتحاد شوروی این است که ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم را در شرایط صلح تأمین کند ، وحدت، دوستی و یاوری کشور های سوسیالیستی را تقویت نماید ، از جنبشهای رهائی بخش ملی پشتیبانی کند، همبستگی و همکاری با کشور های مستقل آسیا ، افریقا ، امریکای لاتین را گسترش دهد . اصول همزیستی مسالمت آمیز با کشور های سرمایه داری را تثبیت نماید و بشریت را از خطر جنگ جهانسوز هسته ای رهائی بخشد .

همه اقدامات اتحاد شوروی درصحنهٔ جهان، خصلت فعال دیپلماسی شوروی ، وفاداری آن به اصول پیگیری آن در برخورد خلاق بمسائل مهم زمان حاضر و نرمش در عمل همه و همه برای آنست که ساختمان کمونیسم با موفقیت سرانجام یابد . زیرا موفقیت در این امر پشتوانه عمده اعتبار عظیم و اثر بخش سیاست خارجی اتحاد شوروی درصحنه جهانیست .

اینک نبفرین است که اتحاد شوروی پیگیرانه صلح و دوستی بین خلقها را محور سیاست خارجی خود قرار داده است . این سیاست بشهادت تاریخ نتایج درخشانی ببار آورده است . ایدئولوژی مارکسیست - لنینیستی ، بشر دوستی سوسیالیستی ، کامیابی روز افزون دموکراسی سوسیالیستی ، افکار صلح و دوستی بین خلقها که ارکان سیاست خارجی دولت شوروی را تشکیل میدهد توجه و علاقه روز افزون توده های مردم را در سراسر جهان جلب میکند وموجبات تحکیم همه نیروهای ترقیخواه را فراهم نیازد و زمینه مساعدتری برای کامیابی هر چه بیشتر مبارزه آنان در راه تحقق بهترین آرمانهای توده ها بوجود میآورد .

خصلت نیم بند اصلاحات ارضی و تشدید تضاد در روستای ایران

بموجب لایحه چهار مادهای وزارت کشاورزی که متن آن اخیراً در جراید انتشار یافته ، مالکانی که در مرحله دوم اصلاحات ارضی املاک خود را به دهقانان اجاره داده اند ، چنانچه مایل باشند میتوانند این اراضی را به دولت بفروشند تا دولت آنرا به اقساط ۱۵ ساله بدهقانان واگذار کند. طبق ارزیابی روزنامه اطلاعات ، مساحت املاک ملاحظه ، مواد است به این عنوان مالکان است . به جنابچه بهای املاک کشاورزی تا مبلغ (۵۰۰۰۰۰) ریال باشد ۹۵ در صد آن عدد و مازاد بر این مبلغ به ازاء هر ۱۰ گانه و بهره ۶ در صد از طرف دولت پرداخت میشود . فلاکتر که ارزش آن بیش از (۵۰۰۰۰۰) ریال باشد تا یکصد هزار ریال عدد و مازاد آن ملی ۱۴ سال با بهره ۶ در صد پرداخت خواهد شد . چنانچه از مواد لایحه مزبور است ، فروش این املاک بلافاصله دولت باید به تصمیم مالکان است ، اجرای اجرای آن یک مهلت سه ساله تعیین شده و از جمله مبتلایی دیگری که به مالکان تعلق میگیرد ، واگذاری باغ بایر و موات به آنان ، همراه با پرداخت یکجای فروش اقتصادی شیرازی ایجاد واحد های زراعی کشاورزی است .

برای ارزیابی این طلاعات جدید که کابینهٔ دولت آنرا بعنوان تازه ترین مبتلای طلاعات قرار شیوه ها ، تقیید است ، بهتر است کمی به عقب باز گشته و مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی را مختصراً بررسی کنیم

دهقانان در مرحله اول اصلاحات ارضی	بطور تکه ترین آمار منتشره از طرف وزارت کشاورزی حاکی است

دوات در ۵ سال گذشته مجموعاً تعداد ۱۴۸۳۴ دهقانان و کمتر از ششدانگ از مالکان خریداری و به ۵۸۷۶۶۲ خانوار دهقان فروخته است . تعداد دهقانانکه به دهقانان فروخته شده مالدهای است از دهقان ، کمتر از ششدانگ و حتی مزرعه و رقبه . اگر باز به آمار تقریبی قرار بود در مرحله اول در حدود ۱۴۰۰۰ ده تقسیم شود که ۳۷ در صد آن ششدانگ ۶۳ در صد آن دهات کمتر از ششدانگ باشد . اگر همین نسبت را دربارهٔ تعداد کل دهات فروخته شده در مرحله اول تعمیم دهیم و نیز حدوسط دهات کمتر از ششدانگ را به ۵ دانگ فرض کنیم معلوم میشود در پایان مرحله اول حد اکثر در حدود ۱۰۰۰۰ ده از مجموع ۵۰۰۰۰ ده به دهقانان فروخته شده است . با توجه دهات ایران در تصرف شاه ، دولت ، مالکان و موقوفه خواران مانده است مساحت زمین های تقسیم شده بهیچوجه معلوم نیست ولی شاید بتوان با قیاس با موارد مشابه مساحت تقریبی آنرا بدست آورد . بموجب آمار های موجود ، تا سال ۱۳۴۱ از املاک شاه ۵۱۷ قریه بمساحت ۱۹۹۶۲۸ هکتار و به بهای ۱۲۰ میلیون تومان به ۴۲ هزار خانوار دهقان فروخته شده است . پس هر خانوار دهقان بطور متوسط ۴٫۷۵ هکتار زمین خریده است (مسلم قرار از آنکه مساحت زمینهای واگذاری به دهقانی از ۱ هکتار تا ۲۰ هکتار بوده است) اگر قرعهٔ همین نسبت را دربارهٔ دهقانانی که در مرحلهٔ اول زمین خریده اند تعمیم دهیم ، حد اکثر در حدود ۱۲ میلیون هکتار زمین فروخته شده و از مجموع ۱۶٫۲ میلیون هکتار اراضی زراعی ایران (۶ میلیون هکتار دیم کشت و ۱۰٫۲ میلیون هکتار آبی) در پایان مرحله اول ۱۴ میلیون هکتار زمین در دست دولت و مالکان و موقوفه خواران باقی مانده است . تعداد خانوار های که زمین خریده اند (۵۸۷۶۶۲ خانوار) به نسبت ۲۴۸۱۶۲۰ خانواری که جمعیت روستا نشین کشور را تشکیل میدهند فقط ۱۸ در صد آنرا در بر میگیرد یعنی در پایان مرحله اول در مقابل ۸۲ در صد ، دهقانان قشری نمیرسد . حال خانوارهائی که زمین خریده اند به نسبت تعداد خانوار های صاحب نسق (۱۹۲۴۱۶۰ خانوار) فقط ۳۰ در صد خانوار های دهقانی را تشکیل میدهند و قریب ۷۰ درصد خانوار های صاحب نسق یعنی ۱۳۶۲۵۹۴ خانوار بصورت دهقان در آمده اند و از مقایسه کل زمین مالکان ملاوه بر ۱۲۸۴۳۰۰ خانوار دهقان فاقد نسق زراعی یعنی خوش نشینان و کارگران کشاورزی که قانوناً و اصولاً حق برای تملک اراضی مشاهده است .

دهقانان در مرحله دوم اصلاحات ارضی	انتظار تقلیب لغه اجرائی مرحله دوم ، مالکان راضی میگذاشت تا بیکی از به اجاره فروش تقسیم

را اختیار کنند . بموجب آخرین آمار در پایان مرحله دوم ۱۰۷۶۷۷۰ خانوار دهقانی املاک ۲۰۲۳۹۰ خرده مالک را بمساحت ۳۰ سال اجاره شمسوده اند ۵۹۹۸۵ خانوار ، موفق به خرید زمین شده اند و در عوض ۱۴۸۷۸۷ خانوار هر سال تقریباً ۱۸ در صد به ۲۴ در صد تغییر موقعیت یعنی در مرحله دوم که تا قبل از تنظیم لایحه چهار مادهای اخیر پایان فروش زمین به دهقانان اتمام شده بود فقط ۶ در صد دهقانان مشمول خرید زمین شده اند و مجموعاً ۷۶ در صد خانوارهای دهقانی از خرید زمین سهمی نداشته اند .

در مرحله دوم مالکان توانستند با اتکاء به قانون سیستم اجاره زمین را به دهقانان تحمیل کنند زیرا هم میتوانستند زمینهای بایرشان را در مالکیت خود نگاه دارند و هم دهقانان را بشیوهٔ کشنده استثمار کنند . در این مرحله بیش از یک میلیون خانوار دهقانی مجبور به اجاره زمینی در برابر اجاره بهای سنگین شدند و بعلت اینجهت که مالکیت لازم که تا دیروز با آب و تاب فراوان خبر از استقلال در شهر دهقانان برای اجرای مرحله دوم میدهند ، اکنون تا کردیم اعتراف میکنند که سنگینی مال الاجاره ها دهقانان را ناراضی کرده است . برای آنکه روشن شود که در مرحله دوم چه اراضی بایرو زراعی در ملکیت مالکان موقوفه و به اجاره رفته است از نوشته روزنامه اطلاعات انتخاب ساده میکنیم که است زمینهای استیجاری مرحله دوم و یا زمینهای فروخته شده مرحله اول ۴۰ به ۷ میدهند ، حد اکثر بر اساس محصول تخمینی ما ، در مرحله اول ۲٫۲ میلیون هکتار زمین به دهقانان فروخته شده باشد ، در مرحله دوم ۴۳۰۰۰۰ هکتار زمین به اجاره رفته است که هم ۱۰۰ون دولت به عالی که در زیر گفته خواهد شد ، تصمیم دارد در صورت دولتاب بودن مالکان این زمین ها را خریده و به دهقانان بفروشد .

علی که رژیم شاه پیش بینی میشد اصلاحات ارضی شاه به علت	همقطور که در قبلا اشاره شد ، خود رژیم شاه نیز مخالف تقسیم

تازه مجبور کرد تا بیکیزی آن ، نه تنها تقدم به حل تضاد های موجود در جامعه ما نبوده و نیست ، بلکه تضاد های جدیدی را نیز با خود همراه داره . امروز پس از گذشت ۵ سال کم و بیش بطول صحت این پیش بینی را مشاهده نمود .

تا قبل از اصلاحات ارضی ، دهقانان هرکاه برای جلوگیری از طرف سیستم بزرگ ، بنی کار بر روی زمین اربابی و تقسیم محصول بر حسب عوامل زراعی شرکت میکنند ، رغم ارضی این سیستم واحد اقتصادی را تشکیل میدهند . رغم ارضی این سیستم واحد اقتصادی را در شرایط مختلف بصورت کشت مالکی قرار داد ، اکنون مشاهده میشود که حتی دهقانی که زمین خریده اند در شرایط دهقانی قرار دارند ، زیرا شرایط فروش زمین خودمالک اول و دوم کاملا متفاوت است . در مرحله اول دولت زمین را به حد کمی از ثروت از قیمت خرید به دهقانی میفروخت و بهای آنرا ساله در دهقان دریافت میکنند . در مرحله دوم دهقانی که مستقیماً فروش است ، باید با وام وزارت کشاورزی بیک سوم ارزش مالک را خرید و وام وزارت کشاورزی نقد و باید در ظرف سه سال قیمت زمین را بمالک بپردازد که بیک سوم قیمت زمین را باید

بیماری چپ روی و چپ نمائی در بین نیروهای اپوزیسیون

دو شرط اولیه و اصلی پیروزی

دو شرط اولیه و اصلی هر پیروزی اجتماعی و سیاسی عبارت است از اتحاد نیرو علی جمل طالب و جلب مشی دوست سیاسی و تبلیغاتی و تشکیلاتی آنها. اگر نیروهائی که خواهان ایجاد تحول و دگرگونی اساسی در جامعه اند واقعاً در حرف خود صادق وجدی هستند باید کلا هدف عمده نهضت متحد شوند. این اتحاد میتواند باشکال مختلف در آید. از اتحاد عمل گرفته مدت یا دراز مدت سازمانهای مختلف در این یا آن عرصه مبارزه گرفته تا اتحاد آنها در یك جبهه واحد و در زیر پرچم یك برنامه مشترك. بهر چنین اتحاد شرط ضرور است. و اما اتحاد بخودی خود وا اتحاد شرط لازم است؛ شرط کافی نیست. نیروهای متحده باید بمعنی صحیح‌تر بیچهار باشند؛ یعنی بدانند به چه میخواهند؛ یا چه کسی طرف هستند. از چه راه میخواهند بهدف برسند. تناسب قوای خودی و دشمن چیست؛ در چه محیطی عمل میکنند؛ چه شیوه ای در تبلیغ باید داشته باشند؛ چه اشکال مبارزه سازمانی را باید بکار ببندند و غیره و غیره. خلاصه آنکه اگر نیروها متحد باشند و مشی روشن و صحیح؛ پیروزی در طول مدت حتمی است. ولی بر عکس اگر نیروها متفرق باشند و مشی مبهم و غلط شکست و ناکامی ناگزیر است.

حال خود کشفیات کنید: نیرو مشی در ایران و خارج از ایران با رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك موجود و استبداد شاه مخالفند و میخواهند وضع را در ایران بسود استقلال ودموکراسی دگرگون سازند. این هدفی است شریف و عالی. ولی آیا این نیرو ها بین خود و در داخل خود وحدت عمل و وحدت نظر دارند؟ متأسفانه نه. نه فقط نیروها در ایران و خارج از ایران با وجود اتیوهی خویش پراکنده اند؛ بلکه گاه سخت بجان هم میافتند. آن انرژی و وقت و قدرت مادی که باید صرف کوبیدن مخالف اجتماعی شود؛ صرف کوبیدن یکدیگر میشود. چنان ایرج میرزا:

«کوبیدن اشقیا از این به»

«دانائی و مصرفت از این بیش»

زنهار پارتیهای مکرر حزبی ما در باره عملیات ایران پراکندگی بجائی نرسیده دعوت حزب ما برای ایجاد وحدت عمل و تنظیم برنامهٔ مشترك مبارزه بی‌نتیجه مانده تفرقه نه فقط ادامه دارد بلکه تشدید میشود. قهرمانان نفاق هر روز بنام تازه ای می‌افتند و جملگی در ابعاد وظایف خود که گاه ناشی از گمراهی است گاه ناشی از بدخواهی میوفتند.

و اما در مسئله خط مشی نیز کار از مسئله وحدت بهتر نیست. عده ای از سازمانهای اپوزیسیون روزاروز در فرك مسائل بین المللی و مسائل ایران، از واقعیت دور گر میشوند و بجنوب جنوب سیاسی و تیرهای و تجریدی هستند. بیز حزب توده ایران که تلاش تشریحش برای برآورد صحیح وضع جهان و ایران بکار میرفت و جبرد، پایه سازمان های مخالف رژیم استبداد سطحی، ساده شده و اجتماعی و انتزاعی نامرسی از این جوان دارند. این چپ روی دوانتگ سازمانهای اپوزیسیون و کمونیستی «جبهه ملی» و جبهه سوسیالیستها و گروههای وابسته به «توده» و «طوفان» و مختلف معین چاپش نشریاتی ایرانی در خارج است. این سازمانها و جرائد وابسته بآنها نه فقط در باره وضع جهان و ایران اشتباهات زیادی دارند؛ بلکه بدلیل اشتباهات نخوست خود را بآنها کشانده اند که روز بروز بیشتر در جاده مخالف با «شوروی و دشمنی با حزب توده ایران پیش میروند و با این عمل خود بخواهند یا نخواهند افراد سودمندی در صف مخالف امپریالیستی و ارتجاعی قرار میگیرند. مخالف که اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی را در جهان و حزب توده ایران را در ایران هدف عمدهٔ حملات خود میدانند. آیا واقعاً این افراد و نیروها که به تفرقه میدان میدهند؛ شعارهای بی‌رحمی و احساساتی را بدون توجه به معنوی معانی و قضایا تکرار میکنند؛ آیا باعث شوروی که همسایه امپریالیستی؛ مردم محبوبست و ترقیخواه میباوان و باید علیرغم وجود امپریالیسم و علیرغم آنکه طبیعت جلب طالب این میخواهند و علیرغم نحو تغییر نکرده است. آیا واقوع جنگ جهانی جلوگیری کرد. برای این کار بتاریس سیاسی که میتوان تعقیب کرد میلیت همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مخالف اقتصادی و اجتماعی و حل مسائل متنازع له از طریق جنگ و جنگ سرد (که پاسانی میتواند به جنگ گرم بدل شود) بلکه از طریق مذاکره و تخفیف بین المللی است. این سیاست بیهوده مانای اجراء وظیفه اساسی و تاریخی احزاب اپوزیسیون و کشور های سوسیالیست دائر به پیروز گردن سوسیالیسم در مبارزه جهانی، در رفاه‌اندن سامانه استعمار و استثمار و استعمار و استعمار نوین است. جنگ‌که تجربه نشان داده است در همین شرایط میتوان و باید از وظیفه اصلی و مرکزی را بپوزه از سه طریق بهم زیرین عملی گرد:

۱ – از طریق کمك همه جنبه مادی و معنوی تا حد کمکهای تسلیحاتی و تعلیماتی به جنبشهای انقلابی کارگری و نجات بخش ملی هر جا که چنین کمکی لازم گردد. اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیا لیستی این وظیفه را در حق ویتنام، کوبا، الجزیره، مصر، سوریه و یك سامانه کشور ها و جنبشهای ملی و انقلابی انجام داده اند. میبینند و خواهند داد. مطلا برای اثبات این مدعا اظهارات مرحوم رهبران انقلابی و ملی (مقاله هوش مین، فام ون دنگ، لیدا کاسترو، احمد بن بلا، جمال عبدالناصر، یوسف زعین و دیگران) موجود است و ما بارها این کمك ها را که در تصدیق کمك وسیع و مؤثر شوروی و ایران قدر دانی از آنت بود؛ در صفحات «پیکار» منعکس کرده ایم. اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیا لیستی باز ما اعلام کرده اند که آنها نسبت به «صدور انقلاب» نمیورزند زیرا این امر برخلاف نظریه مارکسیستی – لنینیستی و باسر ضرورت اضح انقلاب در هر ورث جامعه میتوان است ولی صدور امپریالیستی ضد انقلاب را تحمل نخواهند کرد. اجراء سیاست همزیستی مسالمت آمیز مناقاتی با اجراء وظیفه کمك ضد انقلاب ندارد. این دیگر یك حکم تجربه‌ی نیست بلکه تجربه سالهای اخیر امکان تلفیق این دو روش را قائل داده است.

۲ – از طریق تشدید دادن نمونه پیروزی همه جنبه جوامع سوسیالیستی در زمینه آهنگ رشد، بازده کار، سطح زندگی، دموکراسی، رشد علم و فرهنگ (زیرا روزی که جوامع سوسیالیستی موجود خواندند در همواره ایران ما بر زیان ترقی کشور های سرمایه داری پیشی گیرند) تحول عظیم در طول و قلوب ایجاد میشود که موجب تسهیل مبارزه‌ها برای تحول طلب، موجب تسهیل انتقال قدرت بر دست پرولتاریای بدست پرولتاریا خواهد شد. آنروز که این پیروزی ها بدست آید؛ آید نیست. هم اکنون کشورهای سوسیالیستی بیش از ۳۸ درصد تولید صنعتی جهان را در دست دارند و با آهنگ بمراتب سریعتر از سرمایه داری در جاده تکامل همه جنبه پیش میتوانند. این سخن بمعنای آن نیست که ما میگوئیم سرمایه‌داری خود بخود خواهد گرفت. نه، ابدا. این سخن بمعنای آنست که ما میگوئیم اثبات مشخص برتری سوسیالیسم بر سرمایه داری مبارزه انقلابی برای خود گردن سرمایه داری را تسهیل خواهد کرد. مبارزه کشور های سوسیا لیستی در راه اثبات عملی برتری همه جنبه سوسیالیسم بر سرمایه داری اجراء یك وظیفه طبقاتی و در حکم یك عمل عظیم انقلابی است که تأثیرات آن در تاریخ انسانی تشکل خواهد بود.

۳ – از طریق تأثیر اقتصادی و سیاسی و فنی و علمی در محیط جهان و در بازار جهان و بدین ترتیب تشکیم کردن بازار سرمایه امپریالیستی و تجمع هرچه بیشتر نیروها در زیر پرچم مبارزه بر ضد امپریالیسم و منزوه کردن آن. توجه عظیم کشور های سوسیالیستی به بسط بازرگانی خارجی – کمکهای فنی و اقتصادی، روابط فرهنگی و ورزشی و حتی کوشش برای شکافتن انحصار امپریالیستی در زمینه اسلحه و غیره از همین منشاء برمیخیزد. اکنون سهم کشور های سوسیالیستی در بازار جهانی از ۱۲ در صد بیشتر نیست؛ چیزیکه با قدرت عظیم و اقتصادی آنها ابدا تناسبی ندارد. آنروز که این کشور ها بتوانند جای شایسته خود را کسب کنند قادر خواهند بود ارائه مجموعه‌ای فرقیوانهاشته که روبا خود خائفها و بسود سوسیالیسم بهتر

بقیه در صفحه ۵

امپریالیستی؛ مردم محبوبست و ترقیخواه میباوان و باید علیرغم وجود امپریالیسم و علیرغم آنکه طبیعت جلب طالب این میخواهند و علیرغم نحو تغییر نکرده است. آیا واقوع جنگ جهانی جلوگیری کرد. برای این کار بتاریس سیاسی که میتوان تعقیب کرد میلیت همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مخالف اقتصادی و اجتماعی و حل مسائل متنازع له از طریق جنگ و جنگ سرد (که پاسانی میتواند به جنگ گرم بدل شود) بلکه از طریق مذاکره و تخفیف بین المللی است. این سیاست بیهوده مانای اجراء وظیفه اساسی و تاریخی احزاب اپوزیسیون و کشور های سوسیالیست دائر به پیروز گردن سوسیالیسم در مبارزه جهانی، در رفاه‌اندن سامانه استعمار و استثمار و استعمار و استعمار نوین است. جنگ‌که تجربه نشان داده است در همین شرایط میتوان و باید از وظیفه اصلی و مرکزی را بپوزه از سه طریق بهم زیرین عملی گرد:

۱ – از طریق کمك همه جنبه مادی و معنوی تا حد کمکهای تسلیحاتی و تعلیماتی به جنبشهای انقلابی کارگری و نجات بخش ملی هر جا که چنین کمکی لازم گردد. اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیا لیستی این وظیفه را در حق ویتنام، کوبا، الجزیره، مصر، سوریه و یك سامانه کشور ها و جنبشهای ملی و انقلابی انجام داده اند. میبینند و خواهند داد. مطلا برای اثبات این مدعا اظهارات مرحوم رهبران انقلابی و ملی (مقاله هوش مین، فام ون دنگ، لیدا کاسترو، احمد بن بلا، جمال عبدالناصر، یوسف زعین و دیگران) موجود است و ما بارها این کمك ها را که در تصدیق کمك وسیع و مؤثر شوروی و ایران قدر دانی از آنت بود؛ در صفحات «پیکار» منعکس کرده ایم. اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیا لیستی اعلام کرده اند که آنها نسبت به «صدور انقلاب» نمیورزند زیرا این امر برخلاف نظریه مارکسیستی – لنینیستی و باسر ضرورت اضح انقلاب در هر ورث جامعه میتوان است ولی صدور امپریالیستی ضد انقلاب را تحمل نخواهند کرد. اجراء سیاست همزیستی مسالمت آمیز مناقاتی با اجراء وظیفه کمك ضد انقلاب ندارد. این دیگر یك حکم تجربه‌ی نیست بلکه تجربه سالهای اخیر امکان تلفیق این دو روش را قائل داده است.

۲ – از طریق تشدید دادن نمونه پیروزی همه جنبه جوامع سوسیالیستی در زمینه آهنگ رشد، بازده کار، سطح زندگی، دموکراسی، رشد علم و فرهنگ (زیرا روزی که جوامع سوسیالیستی موجود خواندند در همواره ایران ما بر زیان ترقی کشور های سرمایه داری پیشی گیرند) تحول عظیم در طول و قلوب ایجاد میشود که موجب تسهیل مبارزه‌ها برای تحول طلب، موجب تسهیل انتقال قدرت بر دست پرولتاریای بدست پرولتاریا خواهد شد. آنروز که این پیروزی ها بدست آید؛ آید نیست. هم اکنون کشورهای سوسیالیستی بیش از ۳۸ درصد تولید صنعتی جهان را در دست دارند و با آهنگ بمراتب سریعتر از سرمایه داری در جاده تکامل همه جنبه پیش میتوانند. این سخن بمعنای آن نیست که ما میگوئیم سرمایه‌داری خود بخود خواهد گرفت. نه، ابدا. این سخن بمعنای آنست که ما میگوئیم اثبات مشخص برتری سوسیالیسم بر سرمایه داری مبارزه انقلابی برای خود گردن سرمایه داری را تسهیل خواهد کرد. مبارزه کشور های سوسیا لیستی در راه اثبات عملی برتری همه جنبه سوسیالیسم بر سرمایه داری اجراء یك وظیفه طبقاتی و در حکم یك عمل عظیم انقلابی است که تأثیرات آن در تاریخ انسانی تشکل خواهد بود.

۳ – از طریق تأثیر اقتصادی و سیاسی و فنی و علمی در محیط جهان و در بازار جهان و بدین ترتیب تشکیم کردن بازار سرمایه امپریالیستی و تجمع هرچه بیشتر نیروها در زیر پرچم مبارزه بر ضد امپریالیسم و منزوه کردن آن. توجه عظیم کشور های سوسیالیستی به بسط بازرگانی خارجی – کمکهای فنی و اقتصادی، روابط فرهنگی و ورزشی و حتی کوشش برای شکافتن انحصار امپریالیستی در زمینه اسلحه و غیره از همین منشاء برمیخیزد. اکنون سهم کشور های سوسیالیسم در بازار جهانی از ۱۲ در صد بیشتر نیست؛ چیزیکه با قدرت عظیم و اقتصادی آنها ابدا تناسبی ندارد. آنروز که این کشور ها بتوانند جای شایسته خود را کسب کنند قادر خواهند بود ارائه مجموعه‌ای فرقیوانهاشته که روبا خود خائفها و بسود سوسیالیسم بهتر

بقیه در صفحه ۵

ما و محکم‌تر بین تکیه گاه نیرو های ترقیخواه و تحول طالب جهانی است. در مخالفت در میآیند. با حزب توده ایران که جدی ترین و مجربترین و پر سابقه‌ترین نیروی ترقی وتحول در ایران است راه خصومت فروپش میگیرند؛ واقعاً میخواهند با رژیم استبدادی شاه مبارزه کنند؛ واقعاً در دعوای انقلابی خود سوفقند؟ واقعاً فکر میکنند از این راه بجائی میرسند؟ این سئوال پاسخهای متعددی دارد؛ مسلماً کسانی هستند که صادقند و شاید هم اکثریت با این عده است. این افراد که فاقد اغراض انیك هستند دچار اشتباه و سردم گمی و ارزیابی غلط شده اند ولی مسلماً کسانی هم هستند که میدانند چه میکنند. برای آنها ایجاد محیل و بنای فکری مخالفت و مناقشه با حزب کمونیست شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی و حزب توده ایران رسالت و وظیفه مرکزی است. امروز باستگان فردا به شکل دیگر – دلالان و اجتماعات رنگارنگ آن راه اصل عمده که مخالفت است مستمر؛ بلا تغییر میماند. هیچ استدلال؛ هیچ ارشی و هیچ کوششی از حدت آن نمیکاهد.

ولی بوجوهت خواه متاسر بی شرش و خواه مغرض محملهائی را بهوان میآورند و نظریه ای را با رنگها و فرمولبندی های مختلف ولی محتوی کمابیش واحد، مطرح میسازند؛ بیاتیم آن نظر کدام است و هیاز مناقاتی آن چیست؛ به بینیم ما بدان نظر چه پاسخ میدهیم؟ باید این بحث با صراحت و روشنی مطرح شود. زیرا امروز منطق و دلیل و فردا واقعیت و تاریخ بعده حقیقت میشلید و خواهد شتافت ویتوان مثلا خورشید روشن دید که پایان کار چپ روی اینی از آنکه مشاد آن گمراهی باشد یا غرض، شکست و ناکامی است.

تلخیصی از نظریه چپ روها

اگر بکوشیم با کنارگذاشتن جلالات و سردماغها لب کلام چپ روها را بیرون بکشیم و آنرا در صفور معمودی تلخیص کنیم حاصل این تلخیص چنین است: «در جهان تیرد اساسی بین خاقیتای آزادی و استقلال طالب آسیا و افریقا و امریکای لاتین با امپریالیسم و بر رأس آن امپریالیسم امریکا درگرفته است. این مبارزه ایست که تنها از طریق مسلحانه و مبارزات پارتیزانی میتواند پیروز شود. وظیفه کشور های سوسیالیستی است که بسرب ماهیت انقلابی خود باین نهضت ها از هر باره و نیز از لحاظ نظامی و تسلیحات کمك کنند. وظیفه آنهاست که رژیمهای ارتجاعی و ضد انقلاده امپریالیسم را از هر باره بکوبند و با آنها از جز در حدود بسیار عادی رابطه ای برقرار نسازند. ولی عده ای از کشور های سوسیالیستی و از آنجمله اتحاد شوروی چنین روشی ندارند و برعکس در صدد اجراء سیاست همزیستی مسالمت آمیز و مسابقه مسالمت آمیز با کشور های سرمایه داری و سوسیالیستی هستند. این سیاست در حکم لقمه زدن به انقلاب خلقها و انقلاب جهانی است. لذا اتحاد شوروی و کشور های سوسیا لیستی با طرفداری از همزیستی مسالمت آمیز عملا به صنایع امپریالیسم میدان داده اند و لذا باید مسابقه امپریالیسم و حتی شدید تر از آن آسیاج مبارزهٔ انقلابیون قرار گیرند. حزب توده ایران نیز که از همین مشی حمایت میکند سرسپرده است و از شدت خصمگذاری است که چنین روشی را در پیش گرفته است این حزب نیز باید بیرحمانه کوبیده شود. و اما در ایران تضاد اصلی بین مردم ایران و رژیم است که دست نشانده امپریالیسم است. تغییرات در وضع ایران مانند اصلاح ارضی و غیره بدستور امپریالیسم انجام میگیرد و برای پیشگیری از انقلاب و درحکم اجراء اصلاحات توده‌ای در ایران است. راه نجات مردم ایران سرنگونی کودتای قاوی است. رژیم است. وسیله آنهم جنگ پارتیزانی و مبارزه مسلح است. کشورهای سوسیالیستی باید با رژیم ایران رابطه ای جز در حدود بسیار عادی و حد اقل دائر نسازند؛ بلکه باید این رژیم را تضعیف

امپریالیستی؛ مردم محبوبست و ترقیخواه میباوان و باید علیرغم وجود امپریالیسم و علیرغم آنکه طبیعت جلب طالب این میخواهند و علیرغم نحو تغییر نکرده است. آیا واقوع جنگ جهانی جلوگیری کرد. برای این کار بتاریس سیاسی که میتوان تعقیب کرد میلیت همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مخالف اقتصادی و اجتماعی و حل مسائل متنازع له از طریق جنگ و جنگ سرد (که پاسانی میتواند به جنگ گرم بدل شود) بلکه از طریق مذاکره و تخفیف بین المللی است. این سیاست بیهوده مانای اجراء وظیفه اساسی و تاریخی احزاب اپوزیسیون و کشور های سوسیالیست دائر به پیروز گردن سوسیالیسم در مبارزه جهانی، در رفاه‌اندن سامانه استعمار و استثمار و استعمار و استعمار نوین است. جنگ‌که تجربه نشان داده است در همین شرایط میتوان و باید از وظیفه اصلی و مرکزی را بپوزه از سه طریق بهم زیرین عملی گرد:

۱ – از طریق کمك همه جنبه مادی و معنوی تا حد کمکهای تسلیحاتی و تعلیماتی به جنبشهای انقلابی کارگری و نجات بخش ملی هر جا که چنین کمکی لازم گردد. اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیا لیستی این وظیفه را در حق ویتنام، کوبا، الجزیره، مصر، سوریه و یك سامانه کشور ها و جنبشهای ملی و انقلابی انجام داده اند. میبینند و خواهند داد. مطلا برای اثبات این مدعا اظهارات مرحوم رهبران انقلابی و ملی (مقاله هوش مین، فام ون دنگ، لیدا کاسترو، احمد بن بلا، جمال عبدالناصر، یوسف زعین و دیگران) موجود است و ما بارها این کمك ها را که در تصدیق کمك وسیع و مؤثر شوروی و ایران قدر دانی از آنت بود؛ در صفحات «پیکار» منعکس کرده ایم. اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیا لیستی اعلام کرده اند که آنها نسبت به «صدور انقلاب» نمیورزند زیرا این امر برخلاف نظریه مارکسیستی – لنینیستی و باسر ضرورت اضح انقلاب در هر ورث جامعه میتوان است ولی صدور امپریالیستی ضد انقلاب را تحمل نخواهند کرد. اجراء سیاست همزیستی مسالمت آمیز مناقاتی با اجراء وظیفه کمك ضد انقلاب ندارد. این دیگر یك حکم تجربه‌ی نیست بلکه تجربه سالهای اخیر امکان تلفیق این دو روش را قائل داده است.

۲ – از طریق تشدید دادن نمونه پیروزی همه جنبه جوامع سوسیالیستی در زمینه آهنگ رشد، بازده کار، سطح زندگی، دموکراسی، رشد علم و فرهنگ (زیرا روزی که جوامع سوسیالیستی موجود خواندند در همواره ایران ما بر زیان ترقی کشور های سرمایه داری پیشی گیرند) تحول عظیم در طول و قلوب ایجاد میشود که موجب تسهیل مبارزه‌ها برای تحول طلب، موجب تسهیل انتقال قدرت بر دست پرولتاریای بدست پرولتاریا خواهد شد. آنروز که این پیروزی ها بدست آید؛ آید نیست. هم اکنون کشورهای سوسیالیستی بیش از ۳۸ درصد تولید صنعتی جهان را در دست دارند و با آهنگ بمراتب سریعتر از سرمایه داری در جاده تکامل همه جنبه پیش میتوانند. این سخن بمعنای آن نیست که ما میگوئیم سرمایه‌داری خود بخود خواهد گرفت. نه، ابدا. این سخن بمعنای آنست که ما میگوئیم اثبات مشخص برتری سوسیالیسم بر سرمایه داری مبارزه انقلابی برای خود گردن سرمایه داری را تسهیل خواهد کرد. مبارزه کشور های سوسیا لیستی در راه اثبات عملی برتری همه جنبه سوسیالیسم بر سرمایه داری اجراء یك وظیفه طبقاتی و در حکم یك عمل عظیم انقلابی است که تأثیرات آن در تاریخ انسانی تشکل خواهد بود.

۳ – از طریق تأثیر اقتصادی و سیاسی و فنی و علمی در محیط جهان و در بازار جهان و بدین ترتیب تشکیم کردن بازار سرمایه امپریالیستی و تجمع هرچه بیشتر نیروها در زیر پرچم مبارزه بر ضد امپریالیسم و منزوه کردن آن. توجه عظیم کشور های سوسیالیستی به بسط بازرگانی خارجی – کمکهای فنی و اقتصادی، روابط فرهنگی و ورزشی و حتی کوشش برای شکافتن انحصار امپریالیستی در زمینه اسلحه و غیره از همین منشاء برمیخیزد. اکنون سهم کشور های سوسیالیسم در بازار جهانی از ۱۲ در صد بیشتر نیست؛ چیزیکه با قدرت عظیم و اقتصادی آنها ابدا تناسبی ندارد. آنروز که این کشور ها بتوانند جای شایسته خود را کسب کنند قادر خواهند بود ارائه مجموعه‌ای فرقیوانهاشته که روبا خود خائفها و بسود سوسیالیسم بهتر

بقیه در صفحه ۵

امپریالیستی؛ مردم محبوبست و ترقیخواه میباوان و باید علیرغم وجود امپریالیسم و علیرغم آنکه طبیعت جلب طالب این میخواهند و علیرغم نحو تغییر نکرده است. آیا واقوع جنگ جهانی جلوگیری کرد. برای این کار بتاریس سیاسی که میتوان تعقیب کرد میلیت همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مخالف اقتصادی و اجتماعی و حل مسائل متنازع له از طریق جنگ و جنگ سرد (که پاسانی میتواند به جنگ گرم بدل شود) بلکه از طریق مذاکره و تخفیف بین المللی است. این سیاست بیهوده مانای اجراء وظیفه اساسی و تاریخی احزاب اپوزیسیون و کشور های سوسیالیست دائر به پیروز گردن سوسیالیسم در مبارزه جهانی، در رفاه‌اندن سامانه استعمار و استثمار و استعمار و استعمار نوین است. جنگ‌که تجربه نشان داده است در همین شرایط میتوان و باید از وظیفه اصلی و مرکزی را بپوزه از سه طریق بهم زیرین عملی گرد:

۱ – از طریق کمك همه جنبه مادی و معنوی تا حد کمکهای تسلیحاتی و تعلیماتی به جنبشهای انقلابی کارگری و نجات بخش ملی هر جا که چنین کمکی لازم گردد. اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیا لیستی این وظیفه را در حق ویتنام، کوبا، الجزیره، مصر، سوریه و یك سامانه کشور ها و جنبشهای ملی و انقلابی انجام داده اند. میبینند و خواهند داد. مطلا برای اثبات این مدعا اظهارات مرحوم رهبران انقلابی و ملی (مقاله هوش مین، فام ون دنگ، لیدا کاسترو، احمد بن بلا، جمال عبدالناصر، یوسف زعین و دیگران) موجود است و ما بارها این کمك ها را که در تصدیق کمك وسیع و مؤثر شوروی و ایران قدر دانی از آنت بود؛ در صفحات «پیکار» منعکس کرده ایم. اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیا لیستی اعلام کرده اند که آنها نسبت به «صدور انقلاب» نمیورزند زیرا این امر برخلاف نظریه مارکسیستی – لنینیستی و باسر ضرورت اضح انقلاب در هر ورث جامعه میتوان است ولی صدور امپریالیستی ضد انقلاب را تحمل نخواهند کرد. اجراء سیاست همزیستی مسالمت آمیز مناقاتی با اجراء وظیفه کمك ضد انقلاب ندارد. این دیگر یك حکم تجربه‌ی نیست بلکه تجربه سالهای اخیر امکان تلفیق این دو روش را قائل داده است.

۲ – از طریق تشدید دادن نمونه پیروزی همه جنبه جوامع سوسیالیستی در زمینه آهنگ رشد، بازده کار، سطح زندگی، دموکراسی، رشد علم و فرهنگ (زیرا روزی که جوامع سوسیالیستی موجود خواندند در همواره ایران ما بر زیان ترقی کشور های سرمایه داری پیشی گیرند) تحول عظیم در طول و قلوب ایجاد میشود که موجب تسهیل مبارزه‌ها برای تحول طلب، موجب تسهیل انتقال قدرت بر دست پرولتاریای بدست پرولتاریا خواهد شد. آنروز که این پیروزی ها بدست آید؛ آید نیست. هم اکنون کشورهای سوسیالیستی بیش از ۳۸ درصد تولید صنعتی جهان را در دست دارند و با آهنگ بمراتب سریعتر از سرمایه داری در جاده تکامل همه جنبه پیش میتوانند. این سخن بمعنای آن نیست که ما میگوئیم سرمایه‌داری خود بخود خواهد گرفت. نه، ابدا. این سخن بمعنای آنست که ما میگوئیم اثبات مشخص برتری سوسیالیسم بر سرمایه داری مبارزه انقلابی برای خود گردن سرمایه داری را تسهیل خواهد کرد. مبارزه کشور های سوسیا لیستی در راه اثبات عملی برتری همه جنبه سوسیالیسم بر سرمایه داری اجراء یك وظیفه طبقاتی و در حکم یك عمل عظیم انقلابی است که تأثیرات آن در تاریخ انسانی تشکل خواهد بود.

۳ – از طریق تأثیر اقتصادی و سیاسی و فنی و علمی در محیط جهان و در بازار جهان و بدین ترتیب تشکیم کردن بازار سرمایه امپریالیستی و تجمع هرچه بیشتر نیروها در زیر پرچم مبارزه بر ضد امپریالیسم و منزوه کردن آن. توجه عظیم کشور های سوسیالیستی به بسط بازرگانی خارجی – کمکهای فنی و اقتصادی، روابط فرهنگی و ورزشی و حتی کوشش برای شکافتن انحصار امپریالیستی در زمینه اسلحه و غیره از همین منشاء برمیخیزد. اکنون سهم کشور های سوسیالیسم در بازار جهانی از ۱۲ در صد بیشتر نیست؛ چیزیکه با قدرت عظیم و اقتصادی آنها ابدا تناسبی ندارد. آنروز که این کشور ها بتوانند جای شایسته خود را کسب کنند قادر خواهند بود ارائه مجموعه‌ای فرقیوانهاشته که روبا خود خائفها و بسود سوسیالیسم بهتر

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱

روشی که بزیان جنبش دانشجویان ایرانیست

سازمان دانشجویان دانشگاه تهران ، که هدفی جز حفظ حیثیت جنبش دانشجویان ایرانی در برابر آخرین مجمع بین‌المللی ، مصالح عالیه این جنبش و اتحاد ایران علیه مخالف در این جنبش نداشت ، اوجهی نگردانده و یکی از مواد اساسی طرح اضافه خود را در بیانیه ایران به « محکوم کردن » اتحاد دانشجویان و سایر کشور های سوسیالیستی اختصاص دادند .

بنظر نمایندگان کنگره برای طرح و پیشنهاد یک قطعنامه ، در مقابل از پیشنهاد دهنده « مخالفتها یک عضو دیگر کنفدراسیون بین المللی باید از قطعنامه بدیهی کند . نمایندگان کنفدراسیون تحت فشار موافقت نمودند از نمایندگان کشور های آسیائی ، افریقائی و امریکای لاتین ، برای امضای این قطعنامه جلب کنند . ولی این کوشش بانشکست مواجه شد ؛ زیرا حتی یک هیئت نمایندگی اروپا به قوه حاضر به امضای این قطعنامه ، که جزیه ضد شوروی آن آشکار بود ، نشد . بنابراین هیئت نمایندگی کنفدراسیون به کشور های اروپائی رو آورد . ولی از این کشور ها هم فقط یک هیئت نمایندگی ، یعنی هیئت نمایندگی فرانسه ، که وش ضد شوروی آن در تمام طول کنگره آشکار بود ، حاضر به امضای این قطعنامه شد .

بنگامه‌ای که بقطعنامه نمایندگان سازمان دانشجویان دادند ، بیش از اندازه صحت خواستند . ولی نمایندگان کنفدراسیون با روش خشن و بیهقانه اینکه گویا دیگر این نمایندگان حق صحبت ندارند ، از صحبت آنها جلوگیری کردند .

نمایندگان کنفدراسیون در پاسخ اظهارات مستدل و منطقی نمایندگان اتحاد شوروی و انصاف در مورد روابط ایران با کشور های سوسیالیستی ، به ایراد نطق پر از اتهام و دشنام بر ضد کشورهای سوسیالیستی صحت دادند .

سر انجام‌ای گرفته شد و پیشنهاد اتحاد شوروی برای اضافه قطعنامه تصویب گردید مخالفتها فقط نمایندگان کنفدراسیون و فرانسه ، یعنی طرفداران جنگ بودند . در این موقع نمایندگان کنفدراسیون تمام قطعنامه را پس گرفتند .

مزیه ای که به اجباری حیثیت جنبش دانشجویان ایرانی وارد آمد

هنگامی که عضویت کنفدراسیون در اتحادیه تصویب شد ، نمایندهٔ کنفدراسیون گفت که ماهیت سازمان دانشجویان دانشگاه تهران (توسو) را اتحاد دانشجویان ایران ، ولی مشاهده مدت زیادی نگذشت که آشکار گردید خشی این صفت زیر پا گذاشته شد . مدت «توسو» این بود که در مجامع دانشجویی بروز در مسائل که مورد اختلاف است از روش دمکراتیک پیست و اتفاقا تصمیم پیروی کند . ولی جلوگیری از صحبت نمایندگان «توسو» درباره قطعنامه ایران ، یعنی کمابیش بیش از ۱۵ سال از ۱۰هشت دانشجویان ایرانی با صداقت ، فداکاری و پیگیری دفاع کرده‌اند آنهم در مسائلهای که در ۱۰هشت دانشجویان ایرانی مورد اختلاف جدی است و به آن خشونت بهر طریقی‌که‌ای که نمایندگان از نظر اصول دمکراتیک میکند ، مسئله تصویب کنفدراسیون که حل شده بود ، پس چه اتفاق میافتاد اگر نمایندگان « توسو » در باره این قطعه صحبت میکردند ؟ این روش غیر دمکراتیک و غیر دوستانه این فکر را بوجود نمیآورد که نمایندگان کنفدراسیون یک دانشگاه ، یک دانشگاه که موضع منیف آنها با صحبت نمایندگان « توسو » باز هم منیف‌تر شده ؟

مدت « توسو » این بود که بنا همه تهمت های مترقی دانشجوئی و قبل از همه و بیش از همه با دانشجویان کشور های سوسیالیستی بطریق روابط دوستانه و داشته باشد . نمایندگان کنفدراسیون با پیشنهاد « محکوم کردن » کشور های سوسیالیستی به این متابعات اضافه کردند و بجای اینکه با کشور های سوسیالیستی در یک صف بر ضد امپریالیسم دشمن‌ها قرار میگرفتند ، در مقبل آنها ایستادند .

سنت « توسو » این بود که با کوشش و فعالیت خود بتواند پشتیبان و همبستگی جنبش دانشجویان جهان را از مبارزه عادلانه مردم و دانشجویان ایران در راه استقلال ، آزادی و عدالت جلب کند . نمایندگان کنفدراسیون با طرح قطعنامه خود برضد کشور های سوسیالیستی نخستین لطمه را در این سنت

بقیه از صفحه ۱

کودتای موثر کوتا فاشیستی در یونان

نقشه رشد جنبش ملی و آزادیخواهانه علنی یونان بود که پس از پایان جنگهای داخلی باز دیگر سرباشد میکرد و بخیش میرفت از همانروز دستگاه جاسوسی امریکا (سیا) و فرماندهی نظر در جنوب خاوری اروپا کمانداران شاه یونان و حزب ارتجاعی راست به تنظیم نقشه توطئه‌ای دست زدند و به تهیه مقدمات کودتای نظامی پرداختند . اعلام تجدید انتخابات در ۲۸ ماه مه ۱۹۶۷ که توسط پادزوی کودتای نظامی را پیشرفت ، برارتجاع مبادرت اعیرای کودتای نظامی را در اینباره بود توطئه‌گران قرارداد و ارتش بعنوان آخرین وسیله باقوه قهریه دست بکار شد . بعبارت در اینجا بوضع ارتش یونان که جزئی از نیروی نظامی سازمان آتلانتیک شمالی است اشاره کنیم . ارتش یونان مرکب از ۱۶۰۰۰۰ نفر است که باید تعداد ۲۰۰۰۰ نفر نیروی موزایی و بمان افزود . این ارتش بعنوان نیرادمزی و پایس مبارزات تکامل یافته ارتش است که بنکمات

بین همه زیادی از نیاندگان کنگره اتحادیه ، درباره مقاومت جنبش دانشجوئی در ایران بوجود آوردند .

نتیجه چه شد ؟

همه اینها این نتیجه را بیار آورد که اولا برای نخستین بار در کنگره اتحادیه بیرت المللی دانشجویان قطعنامه‌ای درباره ایران صادر شد . یعنی همبستگی بزرگترین سازمان دانشجوئی در جهان با مردم و دانشجویان ایران در کنگره آن اعلام‌گردید . و کمیتیکه که گویا‌ها‌ورمان مبارزه‌ها‌شد و امپریالیسم‌اند چون خواستند از کنگره‌ما بدهمعکوس‌ند . کشور های سوسیالیستی را بگیرند به آسانی از محکوم ساختن شاه و امپریالیسم صرفنظر کردند . اساسا ماهیت توسطه جنبش دانشجویان ایرانی با جنبش دانشجویان در کشور های سوسیالیستی و بسیاری دیگر ازسازمان های دمکراتی دانشجوئی خسته‌ه‌ا‌ر شد . اساسا مجموعه روش نمایندگان کنفدراسیون در همان آغاز عضویت در اتحادیه ، اثر نمایندگان در نمایندگان کنگره باقی گذاشت و به حیثیت و اعتبار جنبش دانشجویان ایرانی لطمه وارد ساخت . ولیا ، ایرت نتیجه‌های این نمایندگان کنفدراسیون کمتر از همه انتظار داشتند و میدانستند‌ولی‌هرچه‌ا حسن نیت و واقع بین صرف‌ناکیلو باشد ، معلوم شد که سیاست ضد شوروی محکوم به شکست است و انتظار و ادامه این سیاست‌موجبهم به افتراد کامل میزبان آن مبتر خواهد شد .

سیاست ضد شوروی به زیان جنبش دانشجوئی است

« تجربه جدیدی » که از کنگره جهم اتحادیه بین المللی دانشجوئی بدست آمد آشکارا نشان داد که سیاست ضد شوروی که از طرف گروهی ، آنگفته‌ها تا آنگفته در جنبش دانشجوئی ایرانی تعقیب میشود تنها به ضد زیان تمام است .

مفهوم نیست کسانیکه تمام کار های مهم و اساسی را در سازمان های دانشجویان ایرانی کنار گذاشته‌اند و تنها نقشه و همفکاری اینستکه در هر جلسه ، در هر سمینار و در هر کنگره حد اقل یک نطق ضد شوروی ایراد شود و یا یک قطعنامه ضد شوروی تصویب شود چه فکر میکنند ؟ مگر نه اینستکه سیاست ضد شوروی در جهت سیاست امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیستهای امریکائی است که بوسیله سازمانهای جاسوسی خود ، حتی با قبول حیله بفود ، برای ایادار پول هم میدهند ؟ مگر نه اینستکه سیاست ضد شوروی به شدید اختلاف در جنبش دانشجوئی بین نیرو های مختلف منجر شده‌است؟ مگر نه اینستکه‌سیاست ضد شوروی جنبش دانشجویان ایرانی را از پشتیبانی و همبستگی سازمانهای مترقی دانشجوئی محروم میسازد ؟ پس چرا باز هم گروهی باصمیمیت و فعالیت‌بیشتر‌ای در این راه گام برمیدارند ؟

سؤالی که در برابر همه دانشجویان و همه نیرو های ملی و مبارکیاتی قرار گرفته همین است . ما معتقدیم که اگر‌نیرت این کسان دچار گمراهی‌اش از چه روی شده‌اند . بهتر است جهت کند که با خوشبختی‌وحوصله عواقب این روش را گوشزدمیکنیم و بهمه کسانیکه دارای حسن نیت هستند هشدار میدهیم که نگذارند بنام جنبش دانشجویان ایرانی سیاستی دنبال شود که زیانش آن قبل از همه و مستقیما به جنبش دانشجویان ایرانی وارد میگردد . ولی تکامل حوادث نشان میدهد که منفعتشان کسانی

بقیه از صفحه ۶

لیرو های انگلیس در جنگهای داخلی جنبش مسلح ملی خاتی یونان را پس از شکست قانیم سرکوب کرد ویلیه تحت ساعات و پیروزی ملت یونان استوار نمود وسلطون چرچیل بنات امپریالیسم که برای سرکوب جنبش ملی به اصرار یونانی همکار هیتلر قرارداد ، مانع از آن شد که ارتش و سازمانهای تأسیس یونان با عناصر فاشیستی اصلیه گردد . این عناصر بجای خود مقاومت و ایمان مردم حماسی ، از در اتش یونان در ضدت دارند . بدین ترتیب کودتای یونان ، کودتائی مانو کو فاشیستی است که همواره با امپریالیسم علیه خلق یونان اقدام کرده است .

اقدامات حکومت موثر کوتا فاشیستی

حکومت کودتا که بوزاس آن دامنهای دیوان کشور بعنوان وسیله استاد وزرای اتفاقی قرار گرفته پس از معرفی بشه و اجرای مراسم ، موکند ، تمام ارگانهای دموکراتیک را از بیاندار گرفته انتخابهای احزاب و روزنامه های ملی و ساختها های دکوکریتی معلق کرده ، به تصفیه دامنه داری در ارتش وسازمان های انتظامی پرداخته وبطالاتم عمومی حکومت نظامی درسراسر کشور هم کرده اجتماعی را ممنوع کرده است . عوامل کودتا هم اکنون مشغول جمع آوری و بازداشتن یکنواخ چند سال علیه شخصیت های سیاسی زندانی از جمله آقای پاپاندرئو هستند و مقدمات یکساله محاکمات وبدنبال آنها بازداشت جنایتکاران را فراهم‌میکنند . سخنگوی رسمی این دولت فراولون مصاحبه خود بلوزوزاسکوران اظهار داشته که چون بمناسبت انتخابات پاپاندرئو اعلام جنبشگ و انقلابرای را کرده بود پس مگر مانع تقدم و اوضاع را برهم میزد لذا برای پیشگیری از هر پیش آمدی اقدام و دخالت راشتر ضرور بود . پس از چند روز ساختگی کودتا دنبال شده‌اند که دمو چم قصد قیام و انقلاب علیه حکومت و حکومت به استانی دست یافته که آنها را منتشر خواهد کرد . شیق آخرین اخبار ، حکومت کودتا پسر پاپاندرئو را بحبس‌ت علیه مصالح علیه کشور (۱) متهم و بدادگاه نظامی جلب کرده است . حکومت کودتا در اطلاعیه های رسمی میگوید که چپ و راست وجود ندارد ، تمام مردم یونان ، یونانی هستند واحزاب مختلف اصلا معنی و مفهومی ندارد و بنابراین ترتیب وجود طبقات و احزاب را نفی می‌کند . حکومت کودتا اعلام داشته است که قانون اساسی را تغییر خواهد داد و بانتخاب این احوال مدتی است که دموکراسی فروبانی باقی خواهد ماند . حلی اطلاعیه ای هر نوع سازمانی که متفق پیشنهاد یکنند مبنی بر تشکیل وجود کودتاچیان جواب نباید در سیاست دخالت کنند ! از جهات بسیاری کودتای یونان شبیه به کودتای ۱۹۵۳ مرداد کشور ماست . عوامل کودتا تقریبا همانهائی هستند که حکومت دکتر مصدق را ساقط کردند ، ارتجاع ، امپریالیسم و شاه بکمک ارتش . پیشاپیشدر کنه اینکه ارتش ناراضی شده است نظیر آقای دکتر مصدق دارای شخصیت برجسته ای است که آنرا در نتیجه مبارزه علیه حزب دست راست و اقدامات ارتجاعی حکومتهای یونان بدست آورده است .

واکنش شدید سازمانها ، کشورها و مردم دموکرات

کودتای موثر کو فاشیستی در یونان واکنش شدید وسیعی را در تمام جهان برانگیخت . اظهارات وسیعی در تمام کشور های اروپا علیه کودتا واقدامات ضد المللی آن انجام گرفت . فراین تظاهرات یونانیان خارج از کشور ، کمونیست ها و سوسیالیستها و حتی دموکراتهای مسیحی وسیاری از نویسندگان وهنرمندان و شخصیت‌های علمی و فرهنگی شرکت جسته جامه

هم آنگفته‌ه‌ا‌ند تحت شعار های چپ روانه و چپ نما این سیاست زیان بخش را در پیش گرفته‌اند .

اینچهارنکته‌مبارزه بر ضد این سیاست‌زیان‌بخش بهمان اندازه که لازم است پاشرح نیز شده ، در هماهنگال ما امتیازات داریم که در جنبش دانشجویان ایرانی به اندازه کافی نیرو هست تا بتواند بر این گمراهی ها و چپ روها غلبه کند و سدت فرهنگان جنبش دانشجویان ایرانی را که یکی از ارکان آن توسانی با سازمانهای دانشجوئی کشور های سوسیالیستی و قبل از همه با همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی است ، ادامه دهد .

م . اوتوشه

توسعه روابط اقتصادی ایران با کشور های سوسیالیستی

کشور های سوسیالیستی همیشه آماده توسعه روابط بازرگانی و همکاری اقتصادی با ایران بوده اند. لذا اگر دامنه این روابط هنوز در ایران با اندازه‌ای وافی بسیار محدود است و در نتیجه این اختلاف امپریالیستی همچنان لطمه خود را بر شئون حیاتی اقتصادی ایران حفظ کرده اند که آن و مسئولیت عظیم آن فقط و فقط برگردن زمامداران کنونی ایران است که حفظ پیوند با اقتصادات غارتگر و معادل امپریالیست امریکا و انگلیس را بر مصالح حیاتی مردم ایران، مرجح میشمارند .

مصالح حیاتی ایران برقراری روابط اقتصادی و بازرگانی میانی بر برابری حقوق و رعایت منافع متقابل با کلیه کشور های سرمایه داری با کشور های سوسیالیستی

پ . بیگلر

بهار زندان

بوی گل میآید از آواز مرغان بهاری ،
خیز زندانیان خدا را
روزتی بگذا بصحرا .
تا پرم سوی افق ها چون عقاب کوهساری .
ای پرستو ،
از چه بر دیوار زندان لانه کردی ؟
وه که با پرواز آزادت مرا دیوانه کردی . . .
با چنین تاریکی روزان و تنهائی شبها ،
با چنین چشم انتظاری .
ای پرستو — بیک صحرای روشن ،
کی بکام ما برآید گل بگلشن ؟

ژاله
ژانویه ۱۹۶۷

بیش از ۲۰۰۰۰ نفر زندانی !

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۴ فروردین امسال خبری بشرح زیر درج نمود : « بمناسبت برگزاری مراسم تاجگذاری شاهنشاه آریا مهر ، بیش از ۲۰۰۰۰ نفر زندانیان محکوم در سراسر کشور ، از مزایای عفوی که باین مناسبت اعطاء خواهد شد بهره‌ور خواهند شد و از مدت محکومیت کلیه زندانیان و مبلغ غرامتی که باید از جهت محکومیت بپردازند تا میزان یک چهارم کم خواهد شد . » اطلاعات میافزاید : « در حال حاضر بیش از ۲۰۰۰۰ نفر محکوم در زندانهای سراسر کشور زندانی هستند . »

انتشار این خبر از اهمیت شایان توجه بود که روزنامه نیمه رسمی اطلاعات صریحاً اعتراف کرده بود که تعداد زندانیان از بیست هزار هم متجاوز است . این خبر که ظاهراً از سانسور چند درجه ای بیخبری سالم بیرون جسته بود پس از انتشار موجب نارضایتی شد و عوامل مسموری با ژست «تصحیح اشتباه» و «ابراز تأسف» بمیدان آمد و کلمه و کلوزه را بر سر پیچاره خبرنگار قضائی شکست . سه روز بعد اطلاعات با دستپاچگی نوشت : «طبق اطلاعی که بدست آورده‌ایم معلوم شد که خبرنگار ما متأسفانه این خبر را از منبع صحیح و موثقی بدست نیاورده و در کیفیت و رقم آن بخصوص دچار اشتباه شد و خبر اصولاً بدینصورت صحیح نبوده است . » و برای آنکه دیگر خبرنگاری جرأت نکند اخبار صحیحی از این قبیل انتشار دهد خبرنگار قضائی اطلاعات طبق نوشته خود روزنامه « به خاطر قصور و اهمال و سهل انگاری مورد بازخواست قرار گرفت . »

هموطنان عزیز ! رفقای حزبی !

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران ، «مبارزه مردم» ، «جبهه دنیا» و «مجله مسائل بین المللی» مکاتبه کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای رادیو پیک ایران و مطبوعات و مجموعه فعالیت ها ارسال دارید .

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

پیوند مشت ها و دل ها

(خطابی به رزمندگان یونان)

پیوند ما با شما لشکر کشانی نیستند که گاه عهد «آرگ» و گاه کاخ «آپادانا» را فروسوختند . پیوند ما با شما رزمندهٔ است که راز آتش را به هراکلیت آموخت . ارسطو است که ارغنون خرد را به این سینا داد و همرو فردوسی که سرایندگان حماسهٔ عشق و قهرمانیند . «آکروپلیس» و «پیرئوس» هزاران سال است خموش ایستاده اند و در گرد آنها قافیهٔ ما و شما میگردد .

چه بسیار چیز ها در وطن شما و وطن ما . . . در جنبش شما و جنبش ما همانند است : دیروز با شما در بردگی میزیستیم و امروز شما — نخستین آموزگاران دموکراسی و منطق و ما پرشورترین شاگردان مهر و دوستی را یاد ان دسیسه و استبداد دست بگریبانیم .

گلزس شما و روزبه ما ، پایانده توی شما و مصدق ما ، در دار شما و دار ما — آری همگانی گلوا ها و سروهاستید و همگانی صلوف انبوه شهیدان !

و ما با شما نه تنها در عذاب وطن ، بلکه در اندوه غربت نیز شریکیم . همانگونه ما در طنین تاریخ اندک نیست ، از گذشتهٔ دور دست تا اکنون فرادست .

و این پیوندی است مقدس : پیوند مشتها و دلها !

ا . س .

پاسخ کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه

به پیام حزب توده ایران

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز !

از پیام مجید آمیزی که حزب شما بمناسبت توفیق حزب ما ، همراه با پیشرفت عمومی نیروهای چپ در انتخابات پارلمانی که در تاریخ ۵ و ۱۲ مارس انجام گرفته فرستاده است صمیمانه تشکر میکنیم

پیام شما برای حزب ما و تمام بیداران ، تشویقی در مبارزه متحد آنها برای دموکراسی واقعی ، ترقی اجتماعی ، استقلال ملی و صلح بود .

ما در عین حال به پیام شما بمنزله گواه جدیدی در روابط برادرانه ای که احزاب ما را بر اساس اصل انترناسیونالیسم پرولتری بهم پیوند میدهد ، ارج میگذاریم .

رفقای عزیز ، سلامهای برادرانه مرا بپذیرید .

گاستون پلیسونیه

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه

بقیه از صفحه ۳

خصلت نیم بند اصلاحات ارضی و تشدید تضاد در روستای ایران

ولی سیمای واقعی روستای ایران حتی از خلال همین روزنامه های زیر سانسور هویداست .

شرکتهای تعاون روستائی که باید بنیاد روستا را در خدمت دانسته و مرشد و راهبر دهقانان در تمام مراحل تولید و توزیع و فروش باشند در بسیاری از دهات ایران تشکیل نشده اند و در هر جا هم که تشکیل شده اند بعلت عدم توجه دولت و نداشتن کمکهای مادی و فنی نتوانسته اند جانی بگیرند . چنین واحد های بیجانی تقریبه ارشاد و اعانت بدهقانان نیستند و در نتیجه تولید کشاورزی بدون هدف ، سردرگم و بیمار است . چند نمونه ذکر میکنیم :

سال ۱۳۴۴ تولید بیش از حد پیاز و سیب‌زمینی و صیفی ، فروش آن را دچار اشکال کرد و در نتیجه هزاران تن محصول رنج یکساله دهقانان از بین رفت . این زیان هنگامی موجب شد که سال گذشته دهقانان اکثراً از کشت پیاز و سیب زمینی و صیفی خودداری کنند ، نتیجه آن شد که امسال بازار پر از کمبود محصول پیاز و سیب زمینی و گرانی نرخ آن مواجه گردید .

امسال مساعد بودن شرایط جوی تولید گندم را افزایش داد اما دولت بعلت آماده نبودن و فقدان سیلو از خرید غله کشاورزان خودداری نمود . در نتیجه بهای گندم بصورت بسیلقه ای ، تنزل یافت و بسیاری از دهقانان گندم دکار زیان دیدند .

این ها چند نمونه از تولید بی نقشه و فقدان سازمانهایی است که مسئولیت مستقیم آن متوجه دولت است . اگر مقدورات مالی دولت بجای آنکه به جیب مالکان سرازیر گردد ، روانه شرکتهای تعاونی روستائی میشد و با کمک همه جانبه مالی و فنی آنها را به واحد های فعال در حد تبدیل میشود بتدریج این شرکتها میتوانستند وظایف خود را در زمینه های مختلف تولید و مصرف و بازاریابی انجام دهند و با کمک دهقانان و راهنمائی آنان از بروز چنین مشکلاتی در کشاورزی جلوگیری کنند . همین بی‌برنامگی شرکتهای تعاونی و نداشتن تمکن آنها است که واسطه ها ، دلالها و ساف خرها میتوانند باقی جای دهقانانند . در برخی از نواحی ایران دهقانان بر اثر خشکسالی مجبور به کوچ شده اند و در بعضی از نواحی دیگر بازدهگی زیاد محصول غله دهقانان را بفقر دچار ساخته است . محصول پنبه با کرم خاردار از بیخ برود و پوته های چای و مرکبات را که به قرمز تهدید میکند . آفت پنگ محصول لقه گرگان را نابود کرده است . علاوه برعمهٔ اینها فقدان راه و تجهیزات لازم ، همه ساله بخش مهمی از تولید کشاورزان ایران را از بین میبرد . وزیر کشاورزی خود اعتراف دارد که همه ساله ۱۵ در صد میوه و ۲۵ در صد سبزی و صیفی قبل از اینکه بدست مصرف کننده برسد فاسد شده و از بین میرود . در عوض ارز میدهند و بسیاری میوه فروشی ها را با انواع میوه های وارداتی آراین میکنند . دولت بجای آنکه برای حل این مشکلات اساسی روستا اقدام کند و به کمک دهقانان بشتابد سرگرم خوش خدمتی بمالکان است . پرداخت قسط زمین ، اجاره بهای سنگین ، حق السهم شرکتهای تعاونی ، بهره وام نقدی دهقانان را بربوده است در عوض دولت ارمنی حاصلخیز و پرآب و در اختیار «دولوملیان» ، «بگدازه» و «دهدی» چندمیلیون ریالی میدهند . بازرگانی ، مقاطعه کاران ، کارخانه‌داران و شرکتهای خارجی و غیره را به روستای ایران باز کرده‌اند و با استفاده از امتیازات کلان دولت و استعمار زحمتکشان به ثروت خویش را می‌افزایند . رژیم شاه که اینچنین در برابر این غارتگران گشاده دست است در برابر دهقانان مو از ماست میکشد . دهقانان مجبورند حتی در املاک مجهول المالک که ثمرهٔ آنها بالوزیر کشاورزی بیش از دو میلیون پلاک است اجاره بها بپردازند و دولت حاضر نیست لا اقل این نوع املاک را مجاناً بدهقانان واگذار کند . دولت مال الاجاره این قبیل املاک را جمع آوری میکند تا وقتی « مصادره » بلامانع ، یعنی زمین خواران ، نصیب بوی مراجعه کردند دو ضربهٔ تقدیم شان کند . آنوقت چنین رژیمی خود را حامی دهقانان میخواند و متوقع است که مردم باین دروغ بزرگ باور کنند . اگر نیمی از املاکی را که شاه و خواهرهای وی به تأمین مالکان و جلب رضایت آنان نشان داده اند به بهبود زندگی دهقانان ، زمینداران کوچک آنان و رواق بخشیدن به واحد های دهقانی نشان داده بودند ، کشاورزی وضع بهتری داشت . تا زمانی که در روستای ایران بورژوازی وجود دارد ، یعنی تا وقتی که اقلیتی توانمند بر میلیونها همکار اراضی حاصلخیز کشور چنگ انداخته است و بنام اراضی مکانیزه ، بافات ، مراتعی زمینهای بایر ، انحصار مالکیت زمین را بخود تخصیص داده است ، روستای ایران ، روی آرامش خواهد دید . میلیونها دهقان بی زمین و کم زمین ، دهقانان ، اجاره دار ، بامطالک سهمبرداران واحد های سهمی زراعی ، دهقانان که پول کلان بنام قیمت زمین میپردازند همچنان به مبارزه خود ادامه خواهند داد زیرا استعمار و بهره کشی با هر لقبی که ظاهر شود ، برای دهقانان مشابه است . راه صحیح حل اعتلاء های روستا واگذاری بلاعوض تمام زمینهای زراعی بدهقانان ، توسعه و تقویت همه جانبه شرکتهای تعاونی و تخصیص اعتبارات کافی برای تجهیز فنی و علمی کشاورزی و ایجاد شبکه های آبیاری و کمک و ارشاد دهقانان است . اعمال هر سیاستی جز این ، پژوان طبقات زحمتکش و بزیان مصالح کشور است .

میلو

یاد از شهیدان توده ای

روز ۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۷ رفقا آرمن آوانسیان و هوشنگ پور رخوانی بفرمان شاه شربت شهادت نوشیدند . دو سال بعد یعنی روز ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ رفقا علی عظیم زاده ، خسرو جهانیان آذری ، جواد فروغی ، حسن زهناب و ایوب کلانتری اعضاء وفادار حزب ما بگناه میهن پرستی گرفتار آن شدند . ما بخاطرهٔ تابناک این رفقا درود میفرستیم و اطمینان داریم که آن خونها هدر نشده ، در زمین ریخته نشده ، در بیاد توده ملت ایران راه خود را بسوی آزادی و عدالت خواهد گشود .

نشریه «مسائل بین المللی»

شماره ۱ (۲۵) نشریه «مسائل بین المللی» انتشار یافت . این شماره حاوی مطالبی است در باره مسائل انقلاب افریقا ، در باره نقش و اهمیت سوسیالیسم در مرحله کنونی ، خیانت دولت مجنون‌ترین امریکائی در ویتنام ، اهمیت و چشم جهانگرگروی و کمونیستی و احتمالات کارگری ، مارکسیسم و انقلاب علمی و فنی ، و مقالات علمی دیگر است که در این شماره درج شده است .

مطالعه این شماره‌ها بخوانندگان توصیه میکنیم .